

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع تحقیق:

مقام و منزلت خدیو در اسلام

محقق: محمد علمداری فر

سال ۱۳۸۳

مقدمه ۴

منزلت اول

۸..... واقعه غدیر خم.....
 ۱۰..... خلاصه خطبه.....
 ۱۲..... غدیر در قرآن.....
 ۱۵..... پیامها و نکته‌های آیات.....

منزلت دوم

۱۹..... سندیت واقعه غدیر خم.....
 ۱۹..... تعداد راویان غدیر در هر قرن.....
 ۲۱..... جدول کتابشناسی منابع حدیث غدیر.....
 ۲۵..... نام تعدادی از راویان مشهور و رهبران سیاسی.....
 ۲۶..... نقد دیدگاههای اهل سنت درباره حدیث غدیر.....
 ۲۹..... فهرستی از استنادات حضرت علی (ع) به حدیث غدیر.....

منزلت سوم

۳۲..... غدیر در سیره اهل بیت (ع).....
 ۳۲..... غدیر در معرکه صفین.....
 ۳۲..... خطبه غدیر امام علی (ع) در زمان حکومت.....
 ۳۳..... غدیر از نگاه امیرالمومنین علی (ع).....
 ۳۴..... استدلال حضرا زهرا(س) به غدیر.....
 ۳۴..... استدلال امام حسن مجتبی (ع) به غدیر.....
 ۳۵..... امام حسین و حدیث غدیر در منی.....
 ۳۶..... امام محمد باقر(ع) و حدیث غدیر.....
 ۳۷..... امام صادق(ع) در مسجد غدیر.....
 ۳۷..... امام کاظم (ع) و مسجد غدیر.....
 ۳۸..... امام رضا(ع) و حدیث غدیر.....

منزلت چهارم

- ۳۹.....اصحاب و یاران پیامبر(ص) و حدیث غدیر.....
- ۳۹.....استدلال عمار یاسر.....
- ۴۰.....استدلال جوان ناشناس.....
- ۴۰.....استدلال عمرو بن عاص.....
- ۴۱.....استدلال عمر بن عبدالعزیز.....

منزلت پنجم

- ۴۲.....زنان راوی غدیر.....
- ۴۲.....حضرت زهرا(س).....
- ۴۲.....ام سلمه.....
- ۴۳.....اسماء بنت عمیس.....
- ۴۳.....ام هانی بنت ابی طالب.....
- ۴۴.....عایشه دختر ابی بکر.....
- ۴۴.....فاطمه دختر حمزه بن عبدالمطلب.....
- ۴۴.....همسر زید بن ارقم.....
- ۴۴.....راویان زنان تابعی و... ..

منزلت ششم: شعرا

- غدیر از دیدگاه شعرای نامدار —
- ۴۷.....که نام بیش از ۱۰۰ نفر از آنان —
- ذکر شده است. همراه با چند —
- بیت از شعرهای بعضی از آنان.

منزلت هفتم: ویژگی های غدیر خم

- ۱- اعلام امامت در اجتماع بی همانند..... ۵۹
- الف) اجتماع از سراسر بلاد اسلامی..... ۵۹
- ب) جاذبه های معنوی حاضران..... ۶۰
- ج) انگیزه گردهمایی در غدیر..... ۶۰
- ۲- فراوانی و انبوه حاضران..... ۶۱

- ۳- تحقیق بیعت عمومی..... ۶۱
- ۴- کیفیت والای غدیر..... ۶۲
- ۵- صراحت در گفتار..... ۶۳
- ۶- گواهی حاضران در صحنه غدیر..... ۶۴
- ۷- راویان و مفسران فراوان حدیث غدیر..... ۶۵
- ۸- غدیر و آشکار شدن توطئه‌های پنهان..... ۶۸

منزلت هشتم: نمونه‌ای از فرمایشات

- ۱- امام خمینی (ره)..... ۷۲
- ۲- مقام معظم رهبری (مدظله العالی)..... ۷۳

منزلت نهم

- عید غدیر خم..... ۷۵
- احادیث اهل بیت (ع) در منزلت و عظمت عید غدیر..... ۷۶

بخش پایانی

- دریغ و افسوس..... ۸۳
- چکیده مطالب..... ۸۴
- منابع و مآخذ..... ۹۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
السلام علیک یا علی بن ابیطالب یا امیرالمؤمنین (ع)

مقام و منزلت عید غدیر خم در اسلام

مقدمه

در تاریخ اسلام وقایعی را مشاهده می کنیم که در ظروف و شرایط مختلفی اتفاق افتاده و دارای وجوه استدلالی متفاوتی می باشند که بعضی از فرق و مذاهب اسلامی از این وقایع برای مستند نمودن عقاید و ادعاهای خویش استفاده های زیر بنایی می کنند تا جایی که اصل و بنیان عقیدتی بعضی از فرقه ها بر این وقایع استوار است و در صورت تضعیف یا مردود دانستن این وقایع ، به اصل و ریشه آنها صدمات جبران نا پذیری می رسد .

خداوند بر تمامی پیامبرانی که مبعوث فرمود، وحی کرد که مبدا از قومشان در مقابل رسالت، اجری درخواست نمایند. زیرا این خدای متعال است که اجر انبیاء را خواهد داد.

اما این اصل در خصوص رسالت حضرت ختمی مرتبت (ص) بدلیل خاتمیت و اینکه بعد از حضرتش پیامبری مبعوث نخواهد گشت و دلیل رهروان طریق توحید، اهل بیت آن بزرگوار خواهد بود، به استثنا برخورد و از طرف خداوند، مودت و دوستی اقربای پیامبر، بر مسلمانان فرض و بر آن حضرت امر می شود که اجر و مزد رسالتش را دوستی نزدیکان خویش قرار دهد: « قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی »

« بگو: من برای انجام رسالتم پاداشی از شما نمی خواهم جز دوست داشتن خویشان نزدیکم. »

حسب تحقیق علامه متبوع و متبحر و بزرگ، مفخر عالم تشیع حضرت شیخ عبدالحسین امینی (صاحب دائره المعارف بزرگ الغدیر) رحمه الله علیه، اجماع فریقین (شیعه و سنی) و عامه مسلمین، این آیه را در شأن اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می‌دانند. و مفسران و محدثان بزرگی را در این مجموعه نفیس خود آورده که علاقمندان جهت شناختن آنها باید به الغدیر مراجعه نمایند. از جمله ابن عباس روایت می‌کند که بعد از نزول این آیه از پیامبر (ص) سؤال شد: خویشاوندان نزدیک شما که مودت آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟ فرمود علی و فاطمه و فرزندان آنان (حسن و حسین)^۱.
علی (ع) یار و یاور پیامبر (ص) که همیشه و همه حال در حضور آن حضرت بوده و ارادت خاصی را بر ایشان قائل بود و متقابلاً پیامبر (ص) هم عنایات ویژه‌ای به علی (ع) داشتند یکی از آنانی است که مودت و احترام آن بر تک تک مسلمانان واجب بوده و خواهد بود. بدون شک شخصیت علی بن ابی طالب (ع) پس از رسول گرامی اسلام (ص) ارزنده ترین وجودی است که پا به عرصه وجود نهاده و عالم امکان را با حضور خویش آراسته است.

شخصیت تابناک آن حضرت چنان در بلندای انسانیت می‌درخشد، که عقول بشری را در طول تاریخ، مبهوت و حیران خود کرده است. ره یافتن به ساحت قدس آن شخصیت عظیم الهی، هر چند ذائقه طبع را تحریک و وا همه عقل را تشویق می‌کند، ولی راهی است که جز به قدم عشق نتوان پیمود.

در مناقب این امام بسیار کتابها نوشته شده و مطالب گفته شده که این تحقیق مختصر جوابگوی آنان نیست. اما یکی از وقایعی که بسیار مورد اهمیت است و مورد توجه عام و خاص می‌باشد

^۱ - لما نزلت هذه الآية قيل: يا رسول الله من قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟ فقال: علي وفاطمة و ابناهما. به نقل از ک «از غدیر تا عاشورا - سید کاظم پرینچی - ص ۱۳۰»

بحث غدیر خم و جایگاه آن در بین مسلمانان مخصوصاً شیعیان است. که کوشیده ایم تا «جایگاه و منزلت عید غدیر خم در اسلام» را بصورت کاملاً مختصر در این نوشتار بگنجانیم.

واقعه غدیر خم مهمترین موضوع تاریخ اسلام است. زیرا این واقعه مهم با تکیه بر براهین قاطع خود، مبناء و اساس مذهب میلیونها کسانی است که از خاندان رسول اکرم (ص) پیروی می نمایند و از میان این انبوه عظیم مردان بزرگی برخوردارند و کتابهای ارزشمند منتشر کرده اند.

این واقعه بعد ها سبب شد اختلافاتی را بخاطر وجوه مختلف استدلال و برداشت از آن در بین مسلمانان ایجاد کند زیرا شیعه آنرا نصی در جهت امامت علی ابن ابیطالب می داند و روز غدیر خم را بعنوان عید ولایت جشن می گیرد و بر این نظرشان نیز دلایل متعدد عقلی و نقلی ایراد می کند. اما در جهت دیگر اهل سنت و جماعت نظری بر خلاف رای شیعه داشته و با مجموعه ای از استدلالهای متنوع عقلی و نقلی و با استعانت از قواعد لغت عرب سعی بر این دارند که ثابت نمایند که تنها این واقعه دلیل و نصی بر وجوب محبت اهل بیت و نصرت و همیاری آنها میباشد. بدیهی است که این مسئله دارای اهمیت و جایگاه والایی در اعتقادات و تاریخ اسلام بوده و شایسته است نسبت به نظریه هر گروه تحقیق نموده و با بررسی میزان قوت و ضعف نظریه و ادله آن به نتایج مفیدی دست یافت.

بنابراین اگر مورخ از گروه شیعه باشد، بر او واجب است که اخبار مربوط به این واقعه را به طور مفصل در اختیار هم کیشان خود قرار دهد. و اگر مورخ از این گروه نباشد باز هم بر او لازم است که در تاریخ این جمعیت بزرگ به واقعه غدیر خم اشاره نماید.

اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته است که واقعه تاریخی غدیر در تمام قرون و اعصار، بصورت زنده در دلها و به صورت مکتوب در اسناد و کتب بماند و در هر عصر و زمانی نویسندگان اسلامی در کتابهای تفسیر و حدیث و کلام و تاریخ از آن سخن بگویند و گویندگان مذهبی در مجالس

وعظ و خطابه درباره آن داد سخن دهند و آنرا از فضایل غیر قابل انکار حضرت علی (ع) بشمارند. نه تنها خطبا و گویندگان، بلکه شعرا و سرایندگان بسیاری، از این واقعه الهام گرفته و ذوق ادبی خود را تأمل در زمینه این حادثه و از اخلاص نسبت به صاحبان ولایت مشتعل ساخته‌اند و عالیترین قطعات را به صورتهای گوناگون و به زبانهای مختلف از خود به یادگار نهاده‌اند. از این جهت کمتر واقعه تاریخی همچون رویداد غدیر مورد توجه دانشمندان، اعم از محدث و مفسر و متکلم و فیلسوف و خطیب و شاعر و مورخ و... قرار گرفته است و تا این اندازه درباره آن عنایت مبذول شده است. چرا که غدیر جاری خروشان است که از فضایل بی شمار علی (ع) سرچشمه می‌گیرد. به حتم اگر در میان اصحاب پیامبر گرامی اسلام (ص) کسی برتر از امیرالمؤمنین (ع) بود، همو به این منصب افتخار می‌یافت ولی حق این است که پس از پیامبر اکرم (ص) نه تنها کسی از علی (ع) برتر نیست، بلکه هیچ یک از امت به پایه آن حضرت نمی‌رسد. روایتی از امام صادق (ع) هم داریم مبنی بر اینکه «پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرمود من از خدا خواسته‌ام که میان من و تو برادری برقرار کند و تو را وصی من قرار دهد و خداوند نیز این درخواست مرا اجابت نمود»^۱.

فضایلی که از رسول خدا (ص) و اصحابش برای علی (ع) نقل شده است، بیش از همه فضایلی است که برای تمامی اصحاب گفته‌اند. این در حالی است که دست تبهکارسیاست، تا آنجا که در توان داشت فضایل آن حضرت را پوشاند و برای حفظ موقعیت خود، از آن حضرت بدگویی کرده است و چه رخدادها که در سب علی (ع) و آل علی (ع) گفته‌اند و با بی‌عقلی خود احساس کردند نام علی را از صحنه روزگار حذف خواهند کرد اما چنین نشد و نخواهد شد.

^۱ - تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۷ به نقل از ک: اسرار آفرینش اهل بیت (ع)، استاد آقایی ص ۱۴۱

و یکی از علل جاودانی بودن غدیر، نزول دو آیه از آیات قرآن کریم درباره این واقعه است^۲ و تا روزی که قرآن باقی است این واقعه تاریخی نیز باقی خواهد بود و از خاطره‌ها محو نخواهد شد.

جامعه اسلامی در اعصار دیرینه، آن را یکی از اعیاد مذهبی می‌شمردند و شیعیان، هم اکنون نیز روز هجدهم ذی الحجه را عید غدیر خم می‌دانند و در آنروز جشن و سرور برپا می‌دارند. ریشه این عید اسلامی به خود روز غدیر باز می‌گردد، زیرا در آن روز پیامبر(ص) به مهاجرین و انصار، بلکه به همسران خود دستور داد که بر علی (ع) وارد شوند و به او در مورد چنین فضیلت بزرگی تبریک بگویند.^۳

ما قصد داریم تا مقام و منزلت عید غدیر را از جنبه‌های مختلف و با بیان گوناگون و بصورت اجمالی در اینجا ذکر نمائیم. تا باشد در ابتدا برای خودمان و در مرتبه دوم برای دیگران این عید بزرگ شناخته شود و قدر و منزلت این روز را بدانیم.

ان شاء الله

محمد علمداری فر

۸۳/۱۰/۳

^۲- آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده

^۳- به نقل از ک: فروغ ولایت، استاد جعفر سبحانی، ص ۱۴۱

منزلت اول

واقعه غدیر خم

پیامبر اکرم (ص) در سال دهم هجرت برای انجام فریضه و تعلیم مراسم حج به مکه عزیمت کرد. این بار این فریضه با آخرین سال عمر پیامبر عزیز مصادف شد و از این جهت آن را «حجه الوداع» نامیدند. افرادی که به شوق همسفری و یا آموختن مراسم حج همراه حضرت بودند تا صد و بیست هزار نفر تخمین زده شده‌اند.

مراسم حج به پایان رسید و پیامبر اکرم (ص) راه مدینه را در حالی که گروه انبوهی او را بدرقه می‌کردند و جز کسانی که در مکه پیوسته بودند همگی در رکاب او بودند، در پیش گرفت. چون کاروان به پهنه بی‌آبی به نام «خم» رسیدند که در سه میلی جحفه قرار دارد، پیک وحی فرود آمد و به پیامبر فرمان توقف داد. پیامبر نیز دستور داد که همه از حرکت باز ایستند و بازماندگان فرا رسند.

کاروانیان از توقف ناگهانی و به ظاهر بی‌موقع پیامبر در این منطقه بی‌آب، آن هم در نیمروزی گرم که حرارت آفتاب بسیار سوزنده و زمین تفتیده بود، در شگفت ماندند. مردم با خود می‌گفتند: فرمان بزرگی از جانب خدا رسیده است و در اهمیت فرمان همین بس که به پیامبر مأموریت داده است که در این وضع نامساعد همه را از حرکت باز دارد و فرمان خدا را ابلاغ کند.

فرمان خدا به رسول گرامی طی این آیه زیر نازل شد:

«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک

من الناس»^۱

^۱ - سوره مائده - آیه ۶۷

«ای پیامبر آنچه را از پروردگارت بر تو فرود آمده است به مردم برسان و اگر نرسانی

رسالت خدای را به جا نیاورده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می‌کند.»

دقت در مضمون آیه ما را به نکات زیر هدایت می‌کند:

اولاً فرمانی که پیامبر(ص) برای ابلاغ آن مأمور شده بود آنچنان خطیر و عظیم بود که هرگاه

پیامبر (بر فرض محال) در رساندن آن ترسی به خود راه می‌داد و آنرا ابلاغ نمی‌کرد رسالت الهی خود را

انجام نداده بود بلکه با انجام این مأموریت رسالت وی تکمیل می‌شد. به عبارت دیگر هرگز مقصود از

«ما انزل الیک» مجموع آیات قران کریم و دستوره‌های اسلامی نیست. زیرا ناگفته پیداست که هرگاه پیامبر

(ص) مجموع دستوره‌های الهی را ابلاغ نکند رسالت خود را انجام نداده است و یک چنین امر بدیهی نیاز

به نزول آیه ندارد بلکه مقصود از آن ابلاغ امر خاصی است که ابلاغ آن مکمل رسالت شمرده می‌شود و

تا ابلاغ نشود وظیفه خطیر رسالت رنگ کمال به خود نمی‌گیرد. بنابراین باید مورد مأموریت یکی از

اصول مهم اسلامی باشد که با دیگر اصول و فروع اسلامی پیوستگی داشته و پس از یگانگی خداوند و

رسالت پیامبر مهمترین مسئله شمرده شود.

ثانیاً: از نظر محاسبات اجتماعی پیامبر (ص) احتمال می‌داد که در طریق انجام این مأموریت

ممکن است از جانب مردم آسیبی به او برسد و خداوند برای تقویت اراده او می‌فرماید «والله یعصمک من

الناس». چرا که وصایت و جانشینی شخصی مانند حضرت علی (ع) که بیش از سی و سه سال از عمر او

نگذشته بود بر گروهی که از نظر سن و سال از او به مراتب بالاتر بودند بسیار گران بود. خصوصاً برای

اعرابی که همواره مناصب مهم را شایسته پیران قبایل می‌دانستند و برای جوانان به بهانه اینکه بی‌تجربه‌اند

وقعی قائل نبودند. گذشته از این، بسیاری از بستگان همین افراد که دور پیامبر (ص) را گرفته بودند در

صحنه‌های نبرد به دست حضرت علی (ع) کشته شده بود و حکومت چنین فردی بر مردمی کینه توز بسیار سخت خواهد بود.

ولی به رغم این زمینه‌های نامساعد، اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفت که پایداری نهضت را با نصب حضرت علی (ع) تضمین کند و رسالت جهانی پیامبر خویش را با تعیین رهبر و راهنمای پس از او تکمیل سازد.

آفتاب داغ نیمروز هجدهم ذیحجه بر سرزمین غدیر خم به شدت می‌تابید و تعداد صد و بیست هزار نفر در آن محل به فرمان پیامبر خدا (ص) فرود آمده بودند، در حالی که از گرما رداها را به دو نیم کرده، نیمی بر سر و نیم دیگر را زیر پا انداخته بودند.

در آن لحظات حساس، طنین اذان ظهر سراسر بیابان را فرا گرفت و ندای تکبیر مؤذن بلند شد. مردم خود را برای ادای نماز ظهر آماده کردند و پیامبر (ص) نماز ظهر را با آن اجتماع پرشکوه که سرزمین غدیر نظیر آن را هرگز به خاطر نداشت، بجا آورد و سپس به میان جمعیت آمد و بر منبر بلندی که از جهاز شتران ترتیب یافته بود قرار گرفت و با صدای بلند خطبه‌ای ایراد فرمودند.^۱

خلاصه خطبه پیامبر (ص) در غدیر خم

خطبه‌ای که رسول بزرگوار اسلام در آن مکان ایراد فرمودند بی‌نظیر و بی‌همتا بود چرا که آن سیل جمعیت در یک زمان و مکان، آن هم بعد از یک عمل زیارتی حج و از طرفی نصب جانشین بعد از پیامبر که مسئله بسیار مهم به نظر می‌رسید و از طرفی هم تمام نژادها و قبایل و ... در این خطبه حضور داشتند و به فرمایشات پیامبر خود گوش می‌دادند. که ما بصورت کاملاً خلاصه آنرا ذکر می‌کنیم:

^۱ - همان منبع - ص ۱۳۴ - با تلخیص.

پیامبر بعد از قرار گرفتن در منبر ابتدا حمد و ثنای خداوند را بجا آورد و درباره آخرین حج ایشان و پایان عمر شریفشان سخنانی را ایراد فرمودند. سپس به دو چیز گرانها که یکی کتاب خدا و دیگری عترت ایشان بود سفارش کرده و از مردم پیروی و دور نشدن از آن دو را خواستار شدند.

در این موقع پیامبر (ص) دست حضرت علی (ع) را گرفت و بالا برد تا جایی که سفیدی زیر بغل او بر همگان نمایان شد و همه حضرت علی (ع) را در کنار پیامبر (ص) دیدند و او را به خوبی شناختند و دریافتند که مقصود از این اجتماع، مسئله‌ای است که مربوط به حضرت علی (ع) است و همگی با ولع خاصی آماده شدند که به سخنان پیامبر (ص) گوش فرا دهند.

پیامبر فرمود: «خداوند مولای من و من مولای مومنان هستم و بر آنها از خودشان اولی و سزاوارترم. هان ای مردم، هر کس که من مولا و رهبر او هستم، علی هم مولا و رهبر اوست.»
رسول اکرم (ص) این جمله را سه بار تکرار کرد و سپس افزود «لازم است حاضران به غایبان و دیگران را از این امر مطلع کنند».

هنوز اجتماع باشکوه به حال خود باقی بود که فرشته وحی فرود آمد و به پیامبر (ص) بشارت داد که «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً»^۱
«خداوند امروز دین خود را تکمیل کرد و نعمت خویش را بر مومنان بتمامه ارزانی داشت.»

در این لحظه صدای تکبیر پیامبر (ص) بلند شد و فرمود:

«خدا را سپاسگذارم که دین خود را به پایان رسانید و از رسالت من و ولایت علی (ع) پس از

من خشنود شد.»

^۱ - سوره مائده - آیه ۳

آنگاه پیامبر از جایگاه خود فرود آمد در حالیکه پیوسته می فرمود: هثونی، هثونی «مرا تهنیت بگوئید، مرا تهنیت بگوئید».

رسول خدا (ص) عمامه سیاهش را که «سحاب» نامیده می شد و در روزهای مخصوص آنرا به سر می بست، بدست مبارک خویش بر سر علی (ع) بست و دنباله آنرا از پشت سر جلوی رویش آویخت و فرمود «تاجی را که فرشتگان بر سر دارند این چنین است».

سپس فرمود تا برای تبریک گفتن به حضرتش جایگاهی فراهم گردد و آنگاه خود در خیمه و چادری نشست و علی (ع) را هم کنار خود نشاند و مردم به بیعت با آن حضرت شتافتند و اولین کسانی که دست بیعت به رسول خدا (ص) و علی (ع) دادند ابوبکرو عمر و طلحه و زبیر و سپس باقی مهاجرین و سائر مردم بر حسب طبقات و مراتبشان، تا اینکه نماز عصر و مغرب و عشا خواندند و تا سه روز پیوسته امر دست دادن خلق و بیعت آنها ادامه داشت و رسول خدا (ص) پس از بیعت هر دسته و گروهی می فرمود: «الحمد لله الذی فضلنا علی جمیع العالمین».^۲

منظور ما از آوردن داستانها و وقایع روز غدیر در این نوشتار کوتاه، در راستای همین تحقیق است چرا کمتر واقعه ای دارای اینگونه مضامین و محتوا با این همه مقام و منزلت است که در خلال وقایع آورده شد. بنابراین لازم دیدیم ابتدا اصل مآقع را نوشته تا از درون آنها مطالبی بدست آید و در مطالب بعدی راحت تر بتوانیم به آنها استناد نمائیم.

غدیر در کتاب عزیز

^۲ - به نقل از ک «از غدیر تا عاشورا» - ص ۱۲۰

دوآیه از قرآن کریم که درباره داستان غدیر خم و ولایت امیرالمؤمنین(ع) نازل شده^۱، تمام مفسران شیعه و سنی به دلالت این آیات بر واقعه غدیر خم اتفاق نظر دارند که برای نمونه نامهای برخی از مفسران و مآخذ و مدارک اهل سنت را می‌آوریم:

۱- واحدی در کتاب اسباب النزول ص ۱۵۰ می‌گوید:

ان آیه (یا ایها الرسول...) نزلت فی یوم غدیر فی علی بن ابیطالب.

۲- سیوطی در کتاب الدر المنثور ج ۲، ص ۲۹۸ می‌نویسد: ان آیه (یا ایها الرسول...) نزلت فی یوم غدیر فی علی بن ابیطالب.

۳- فخر رازی در تفسیر خود، ج ۳، ص ۶۳۶ ... می‌فرماید:

مفسران ۱۰ وجه و سبب برای نزول این آیه بیان کرده‌اند. سپس در ادامه می‌گوید: «العاشر نزلت هذه الایه فی فضل علی بن ابی طالب، و لما نزلت هذه الایه، اخذ بیده و قال "من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه. فلقیه عمر فقال هینئا لك یابن ابی طالب، اصبحت مولای و مولا كل مومن و مومنه."»

آنگاه که این آیه نازل شد پیامبر اسلام(ص) دست حضرت علی(ع) را گرفت و فرمود: هر که من مولا و سرپرست و حاکم او هستم، علی هم مولای اوست. خداوندا، دوست‌بدار هر که علی را دوست دارد و دشمن‌بدار هر که او را دشمن دارد. سپس عمر با حضرت علی(ع) ملاقات کرد و بعد از تبریک، گفت: تو مولای من و مولای مرد و زن مومن هستی.

۴- نیشابوری در تفسیرش ج ۶، ص ۱۹۴ می‌نویسد:

^۱- الف) آیه تبلیغ: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته (مانده، ۶۷). ب) آیه اکمال دین: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم

نعمتی (مانده، ۳).

«ان هذه الایه نزلت فی فضل علی بن ابی طالب یوم غدیر خم.»

۵- قندوزی در ینابیع الموده ص ۱۲۰.

۶- آلوسی فی تفسیره، ج ۶، ص ۱۷۶.

۷- المنار، ج ۶، ص ۴۶۳.

۸- تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰.

۹- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

۱۰- شبلنجی در نور الابصار، ص ۷۵.

۱۱- مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۸۱.

۱۲- نسائی در خصائص، ص ۲۲.

۱۳- عقد الفرید، جزء ۳، ص ۳۸.

۱۴- سیوطی در تاریخ خلفاء، ص ۶۵.

۱۵- اسعاف الراغبین، ص ۱۵۱.

۱۶- مصابیح السنه، ج ۲، ص ۲۲۰.

۱۷- حلیه الاولیاء، جزء ۴، ص ۲۳.

۱۸- نثر اللیالی، ص ۱۶۶.

۱۹- تاریخ بغدادی، خطیب نیشابوری، جزء ۷، ص ۳۷۷.

۲۰- واحدی در اسباب النزول، ص ۱۵۰.

۲۱- فخرالدین رازی در تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۲، ص ۵۰.

۲۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹۳.

۲۳- ترمذی، در صحیح خود، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲۴- سیوطی در الدرالمثور، ج ۲، ص ...

۲۵- ابن کثیر در بدایه و النهایه، ج ۵.

۲۶- خطیب النیشابوری در تاریخ بغدادی، ج ۸، ص ۲۹۰ می نویسد:

«... فقال عمر بن الخطاب بخی بخی لک یا بن ابی طالب اصبحت مولای ومولا کل مسلم فانزل الله

"اليوم اكملت لكم دينكم"

۲۷- درالمثور در ذیل آیه

«لما نصب رسول الله(ص) علیا(ع) يوم غدیر خم فنادی له بالولایه هبط جبرئیل بهذه

الایه "اليوم اكملت ..."

۲۸- در فرائد السمطین، باب ۱۲ چنین می خوانیم:

«... ثم لم يتفرقا حتى نزلت هذه الایه "اليوم اكملت" فقال رسول الله(ص) الله اكبر علی اكمال

الدين و اتمام النعمه و رضاء الرب برسالتی والولایه "لعلی(ع) من بعدی ثم قال "من كنت مولاه

فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله»

روز غدیر، پیامبر(ص) مردم را به سوی حضرت علی(ع) فراخواند و دست حضرت را بلند کرد، به

طوری که زیر بغل حضرت پیدا شد. هنوز مردم متفرق نشده بودند که آیه «اليوم اكملت ...»

نازل شد. سپس حضرت فرمود: پروردگارا، دوست بدار کسی را که علی را دوست دارد و دشمن

بدار کسی را که علی را دشمن دارد و یاری کن هر که علی را یاری کند و...

۲۹- شان نزول آیه فوق و داستانهای مربوط به غدیر در مناقب خوارزمی، ص ۸۰؛ تاریخ یعقوبی،

ج ۲، ص ۳۲؛ شبلنجی در نورالابصار، ص ۷۵، فصول المهمه این صیاغ نیز ذکر شده است.

با این حال علمای اهل سنت ناچارند که این آیه را تأویلهای دیگری کنند تا کرامت اصحاب محفوظ بماند!! وگرنه اگر اعتراف کنند که این آیه در روز غدیر خم نازل شده پس ناچار به ولایت حضرت علی بن ابیطالب(ع) اقرار کرده‌اند و پذیرفته‌اند که خداوند دین را با این ولایت کامل کرده و نعمتش را بر مسلمانان تمام نموده و دیگر خلافت خلفای سه‌گانه نقش بر آب می‌شود و عدالت اصحاب کم‌وزیاد می‌گردد و مکتب و اجتهاد در آن پا در هوا می‌شود و بسیاری از احادیث مانند نمک در آب ذوب می‌شوند و روسای مذاهب و پیشوایان، زیر سوال می‌روند و بسیاری از اسرار و مسائل پشت پرده رو می‌شود و نقابهای دروغین پس می‌رود. و این حق آنان است که رسوا شوند. چرا که حقایق را مخفی نمودند و آیه را به غیر معنای اصلی‌اش تأویل نمودند. اما به فضل پروردگار عالم و عنایت امیرالمومنین علی(ع) در این تحقیق کوتاه مدارکی را از علمای شیعه و سنی مخصوصاً از سنی، ذکر خواهیم نمود تا آبروی کذایی آنان خدشه دار گردد.

پیام‌ها و نکته‌های آیات

دو آیه‌ای که ذکر شد، هر دو بدون شک در ارتباط با واقعه غدیر خم می‌باشد، اما این آیات دارای نکته‌ها و پیامهای مهمتر دیگری نیز هستند که بصورت اجمالی و تیتروار ذکر می‌شود:

۱- آیه شصت و هفتم سوره مائده در میان دو آیه‌ای قرار دارد که مربوط به اقامه کتاب آسمانی است و شاید اشاره به این باشد که میان رهبر معصوم و اقامه کتاب آسمانی پیوند محکمی برقرار است. و امام است که میتواند کتاب آسمانی را برپا دارد و این کتاب خداست که

^۱ - ماهنامه کوثر شماره ۲، برگرفته از ک: «برکناره‌های کتاب «الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب» غلام حسین زینلی

می‌تواند امام واقعی را معرفی کند و امام علی (ع) همان فرد است که در روز غدیر معرفی گردید.

۲- در تمام قرآن تنها در این آیه است که پیامبر اکرم (ص) نسبت به کتمان پیام، تهدید شده که اگر نگویی، تمام آنچه در طول ۲۳ سال رسالت گفته‌ای هدر می‌رود. پس باید دید چه پیام مهمی است که این گونه بیان شده است؟

۳- سوره مائده در اواخر عمر شریف پیامبر (ص) نازل شده است و بجای «یا ایها النبی» تعبیر «یا ایها الرسول» آمده است که نشانه یک رسالت مهم است.

۴- به جای فرمان «ابلق» فرمان «بلغ» آمده که نشانه ابلاغ قطعی و رسمی و مهم است.

۵- رسول خدا از عواقب کاری هراس دارد که خداوند او را دلداری می‌دهد که ما تو را از شر مردم ننگه می‌داریم. (علت هراس پیامبر را قبلاً ذکر نمودیم)

۶- محتوای پیام باید مسأله‌ای اساسی باشد که به لحاظ اهمیت، با همه پیامها برابر بلکه بااهمیت‌تر از آنهاست که اینطور تهدید و دلداری می‌دهد.

۷- پیام آیه در مورد توحید و معاد و نبوت نیست چون این اصول، در روزهای اول بعثت در مکه بیان شده و نیازی به این همه سفارش در اواخر عمر آن حضرت ندارد و از طرفی برای تبلیغ این اصول نیاز به ترس و هراس نبود زیرا که در روزگار تنهایی که با آنها مبارزه می‌کرد، در حالی که سنگباران می‌شد، از چیزی نترسید. پس باید مسئله از این اصول هم مهمتر یا در ردیف آنان باشد.

۸- انتخاب رهبر اسلامی (امام معصوم) باید از سوی خداوند باشد. «بلغ ما انزل الیک من ربک».

۹- گاهی ابلاغ پیام الهی باید در حضور مردم و با بیعت گرفتن باشد، اما در این مورد (رساندن ولایت امیرالمومنین) سخن گفتن کافی نیست بلکه باید با عمل باشد. «وان لم تفعل» به جای «ان لم تبلغ».

۱۰- اگر رهبری صحیح نباشد مکتب نابود و امت گمراه میشوند. «فما بلغت رسالته»

۱۱- رکن اصلی اسلام امامت و حکومت و ولایت است. «وان لم تفعل فما بلغت رسالته»

۱۲- انکار ولایت و امامت نوعی کفر است. «ان الله لا يهدي القوم الكافرين» (که در آخر همین آیه می‌باشد).

۱۳- آیه سوم سوره مائده که دقایقی بعد از ابلاغ ولایت امیرالمومنین نازل شد نیز بر واقعه غدیر خم دلالت دارد چرا که غدیر خم تنها روزی است که برای آن روز چهار عنوان ذکر میکنند «روز اکمال دین»، «روز اتمام دین»، «روز یأس کافران»، «روز رضایت خداوند».

۱۴- اگر یکی از این موارد فوق به تنهایی در یکی دیگر از روزها اتفاق می‌افتاد، کافی بود تا آن روز را یوم الله بنامند. تا چه رسد به روزی مثل غدیر که همه این ویژگی‌ها را یکجا دارد. و این حکایت از ارزش والای این عید فرخنده در بین مسلمین دارد.

۱۵- در آیه ۱۰۹ سوره بقره، تمایل کفار نسبت به انحراف مسلمانان از راه خودشان مطرح شده است. خداوند فرمان داد: شما اغماض کنید تا امر الهی برسد. پس مسلمانان منتظر حکم قاطعی بودند که کفار را مأیوس سازد، تا اینکه آیه «اليوم ينس الذین كفروا من ... اليوم اکملت ...» نازل شد.

۱۶- مهمترین روزنه امید کفار مرگ پیامبر(ص) بود که با تعیین حضرت علی(ع) به رهبری، آن روزنه بسته شد. چرا که کفار بر این عقیده بودند که بالاخره یک روز پیامبر(ص) از دنیا

می‌رود و با رفتن او آیین او هم به تدریج رنگ می‌بازد و جامعه به حالتی که قبلاً بود برمی‌گردد. ولی با مسئله تعیین امامت اهل بیت (ع) همه نقشه‌ها و آرزوهای خصمانه دشمنان اسلام نقش بر آب شد. «الیوم یئس...»^۱

۱۷- اگر مسلمانان از خط رهبری غدیر دست برنمی‌داشتند هیچ خطری از سوی کفار متوجه آنان نمی‌شد. «فلا تخشوه»

۱۸- کفار از دینی که رهبرش تسلیم، جهادش تعطیل، منابعش تاراج و مردمش متفرق باشند، نمی‌ترسند بلکه از دین کامل می‌ترسند که هیچ کدام از آنها در رهبری غدیر نبود. «الیوم یئس... الیوم اکملت...»

۱۹- دین بدون رهبر کامل نبوده و قوام مکتب به رهبری صحیح است «الیوم اکملت لکم دینکم»

۲۰- همه نعمتها با رهبری الهی کامل می‌شود و نصب علی (ع) به امامت اتمام نعمت است «اتتمت علیکم نعمتی»

۲۱- اسلام بدون رهبری صحیح مورد رضای خداوند نیست. «الیوم... رضیت لکم الاسلام»^۱

۲۲- نکته جالب دیگر که قابل توجه می‌باشد، این است که خداوند در سوره نور آیه ۵۵

چنین می‌فرماید: «خداوند به آنهایی که از شما ایمان آوردند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده

داده است که آنها را خلیفه در روی زمین قرار دهد همانطور که پیشینیان آنان را چنین کرد و

نیز وعده داده آئینی را که برای آن پسندیده است مستقر و مستحکم گرداند و بعد از ترس به

^۱- نسیم حیات، ج ۶، ابوالفضل بهرام پور، ص ۲۱۳، با تلخیص و اضافات

^۱- تفسیر نور، ج ۳، محسن قرائتی، ص ۳۱

آنها آرامش بخشد».^۲ در این آیه خداوند می‌فرماید آئینی را که برای آنها پسندیده در روی زمین مستقر می‌سازد، با توجه به اینکه سوره نور قبل از سوره مائده نازل شده است و با توجه به جمله «رضیت لکم الاسلام دیناً» (آیه سوم سوره مائده) که درباره ولایت علی (ع) نازل شده، چنین نتیجه می‌گیریم که اسلام در صورتی در روی زمین مستحکم و ریشه‌دار خواهد شد که با ولایت توأم باشد، زیرا این همان اسلامی است که خدا پسندیده و وعده استقرار و استحکامش را داده است، و به عبارت روشنتر اسلام در صورتی عالمگیر می‌شود که از مسئله ولایت اهل بیت جدا نگردد.^۳

اینها قسمتهایی از پیامهای قرآن بود که از ظواهر آیات بدست آمده است اما آنچه در بواطن آیات در ارتباط با شأن و منزلت روز غدیر وجود دارد خدا می‌داند و بس.

منزلت دوم

سندیت واقعه غدیر خم

داستان غدیر خم از جمله حقایق مسلم و غیر قابل تردید است که به حدّ اجماع امت اسلامی، از تشیع و تسنن رسیده است، و بارها مورد احتجاج و سوگند قرار گرفته است. این حقیقت موجب شده تا مخالفان غدیر، در برابر سند حدیث غدیر سر تسلیم فرود آورند و به ناچار به آن تن دهند و چون نتوانسته اند در سند آن خدشهای وارد سازند، در دلالت آن به چون و چرا پرداخته اند؛ اما باب هر گونه چون و چرا بر روی آنان بسته و راهی جز تسلیم در برابر مفاد حدیث غدیر، فرا روی آنان وجود ندارد.

^۲ «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلکم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً»

^۳ - تفسیر نمونه، ج ۴، مکارم شیرازی، ص ۲۶۸

امامان معصوم(ع)، همواره به این واقعه مهم استدلال می کردند و پس از آنان، علما و بزرگان دین در بزرگداشت این واقعه مهم کوشیده اند. و جالب اینکه جمع زیادی از دانشمندان اهل سنت واقعه غدیر را در آثار و نوشته های خود منعکس نموده، و گروهی از آنان، تألیفات مستقلی در این باره از خود بر جای نهاده اند.

تاریخ نشان می دهد، نخستین بار در همان روز غدیر درباره این حادثه و فضایل امیرالمؤمنین(ع) بحث و گفتگو شده است. حسان بن ثابت انصاری اولین کسی است که درباره ولایت امام علی بن ابی طالب (ع) شعر سروده، و آن را در محضر رسول خدا(ص) و در اجتماع با شکوه روز غدیر خوانده است.

و از آن تاریخ تا کنون همواره غدیر شناسی ادامه یافته و از روند تکاملی نیز برخوردار بوده است. و همواره این حدیث در آثار، ثبت و ضبط می شده است.

تعداد راویان واقعه غدیر در هر قرن

مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر خود نام راویان حدیث غدیر را به ترتیب زمان زندگی ذکر کرده است که جمعاً تعداد ۵۵۷ نفر راوی ثبت شده وجود دارد:

در میان اصحاب رسول خدا (ص) ۱۱۰ نفر.

در میان تابعین ۸۴ نفر

در میان علمای قرن دوم هجری ۵۷ نفر

در میان علمای قرن سوم هجری ۹۳ نفر

در میان علمای قرن چهارم هجری ۴۳ نفر

در میان علمای قرن پنجم هجری ۲۴ نفر

- در میان علمای قرن ششم هجری ۲۰ نفر
- در میان علمای قرن هفتم هجری ۲۲ نفر
- در میان علمای قرن هشتم هجری ۱۸ نفر
- در میان علمای قرن نهم هجری ۱۶ نفر
- در میان علمای قرن دهم هجری ۱۴ نفر
- در میان علمای قرن یازدهم هجری ۱۲ نفر
- در میان علمای قرن دوازدهم هجری ۱۳ نفر
- در میان علمای قرن سیزدهم هجری ۱۲ نفر
- در میان علمای قرن چهاردهم هجری ۱۹ نفر

کتابشناسی منابع حدیث غدیر به همراه جدول تفاوت نقل ها

<p>الکتاب المصنف فی الاحادیث والآثار، ح ۳۲۰۶۳، ۳۲۰۶۴، ۳۲۰۶۹؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴ و ۱۵۲</p>	
--	--

وج ٥، ص ٣٤٧ و ٣٦٦؛ التاريخ الكبير، ح ١١٩١،
٢٤٥٨، ٢٢٧٧؛ سنن ابن ماجه، ح ١٢١، ح ١٢١؛ سنن
الترمذى، ح ٣٧٣٣؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٧؛ السنّة
للشيبانى، ص ٥٩٠-٥٩٣ (١٧ روايت)؛ فضائل
الصحابه، ح ٤٢؛ السنن الكبرى، ح ٨١٤٥؛ خصائص
امير المؤمنين، ح ١٢، ٨١، ٨٢، ٨٣، ٨٥؛ التصنيف
الفقهى لاحاديث كتاب «الكنى والالقاب»، ١٥٣٣،
١٥٣٤؛ السنّة للخلال، ح ٤٥٨، ٤٦١، ٤٦٢؛ كتاب
التوحيد، ج ١، ص ٧٤؛ مشكل الآثار، ج ٢، ص
٣٠٧؛ معجم الصحابه، ج ١، ص ١٩٩؛ كتاب الفوائد،
ح ١١٨؛ المعجم الكبير، ح ٣٠٤٩، ٤٠٥٢، ٤٩٨٦،
٥٠٧١، ٥٠٩٦، ١٢٥٩٣ و ج ١٩، ح ٦٤٦؛ المعجم
الاوســـــط، ح ٣٤٨، ٢١٣٠، ٢١٣١، ٦٨٧٨،
٨٤٢٩؛ المعجم الصغير، ج ١، ص ٧١؛ الشريعة، ح
١٥٧١، ١٥٧٣، ١٥٧٧، ١٥٧٩، ١٥٩٩؛ الكامل فى
ضعفاء الرجال، ج ٣، ص ٨٠ و ج ٤، ص ١٢ و ج ٥،
ص ١٢٢ و ج ٦، ص ٨٢، ٣٨١، ٤١٣؛ المستدرک على
الصحيحين، ج ٣، ص ١١٠

من كنت مولاه فعلىّ مولاه

ف من كنت مولاه فعلىّ مولاه	مسند احمد، ج ٤، ص ٣٦٨؛ المعجم الكبير، ح ٥٠٦٨؛ الشريعة، ح ١٥٧٢، ١٥٧٨
من كنت مولاه فان مولاه علىّ	مسند احمد، ج ١، ص ٣٣١؛ المستدرک، ج ٣، ص ١٣٤
من كنت مولاه فان هذا مولاه	مسند احمد، ج ٥، ص ٤١٩
ف من كنت مولاه فان هذا مولاه	المعجم الكبير، ح ٥٠٧٠، السنة للشيباني، ح ١٣٦١
اللهم من كنت مولاه فان هذا مولاه	مشكل الآثار، ج ٢، ص ٣٠٨؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٨
ف من كنت وليه فهذا وليه	السنة للشيباني، ح ١٣٦٧؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٩
فانى من كنت مولاه فعلىّ مولاه	التصنيف الفقهي لاحاديث كتاب «الكنى واللقاب»، ح ١٥٣٢؛ خصائص، ص ١٠٠، ح ٨٤
من كنت وليه فعلىّ وليه	مسند احمد، ج ٥، ص ٣٥٨، ٣٦١؛ الكتاب المصنف، ح ٣٢٠٥٦؛ صحيح ابن حبان، ح ٦٩٣٠؛ كتاب المعجم، ح ٢٢٢؛ المعجم الكبير، ح ٤٩٦٨، ٥٠٥٨؛ الكامل فى ضعفاء الرجال، ج ٢، ص ٣٦٢؛ السنة للشيباني، ص ٥٨٩؛ فضائل الصحابه، ح ٤١؛ خصائص، ح ٨٠؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٧

ف من كنت وليه فهذا وليه	السنة للشيباني، ح ١٣٦٧؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٩
من كنت وليه فعلى فان علياً وليه	المستدرک، ج ٢، ص ١٣٠؛ مسند الروياني، ح ٦٢؛ البحر الزخار، ح ١٢٠٣
من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه	المصنف لابن ابى شيبه ، ح ٣٢٠٨٢، ٣٢٠٨٣؛ مسند احمد، ج ٤، ص ٢٨١ و ٣٧٠؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٩؛ نوادر الاصول، ج ١، ص ٢٨٩(اصل ٢٣٩)؛ خصائص، ح ٨٨ و ٩٣؛ مسند ابى يعلى الموصلى، ح ٦٤٢٣؛ كتاب الفوائد ، ح ١٢٦؛ المعجم الكبير، ح ٤٠٥٣، ٤٩٨٣، ٤٩٩٦، ٥٠٦٥، ٥٠٦٦، ٥٠٦٩؛ المعجم الاوسط، ح ١١١٥، ٢٢٧٥، ٦٢٢٨؛ المعجم الصغير، ج ١، ص ٦٥؛ الشريعة ، ح ١٥٨٠، ١٥٨١، ١٥٨٣؛ الكامل فى ضعفاء الرجال، ج ٥، ص ٣٣؛ المستدرک، ج ٣، ص ٣٧١
من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واغن من اعانه	المعجم الكبير، ح ٤٠٥٩؛ الكامل فى ضعفاء الرجال ، ج ٣، ص ٢٥٦
من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه	المعجم الكبير، ح ٤٩٦٩؛ انساب الاشراف، ص ٨٥٨
فمن كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من	المعجم الكبير، ح ٣٠٥٢، ٥١٢٨

	والاه وعاد من عاداه
البحر الزخار، ح ٦٣٢	اللهمّ من كنت مولى له فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه
المعجم الكبير، ح ٥٠٩٢	من كنت مولاه فان علياً مولاه اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه
المسند الشاشي، ح ١٠٦	من كنت مولاه فعلىّ مولاه اللهمّ عاد من عاداه ووال من والاه
مسند احمد، ج ٤، ص ٣٧٢	فمن كنت مولاه فان علياً مولاه اللهمّ عاد من عاداه ووال من والاه
السنن الكبرى، ح ٨١٤٨؛ فضائل الصحابه، ح ٤٥، خصائص، ح ٧٩	من كنت وليه فهذا وليه اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه
خصائص، ح ٩٨ و ١٥٧	من كنت وليه فهذا وليه اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره
خصائص، ح ٩٥	من كنت وليه فهذا وليه وان الله يوالى من والاه ويعادى من عاداه
الشريعة، ح ١٥٨٥	من كنت وليه فعلىّ وليه اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه
مشكل الآثار، ج ٢، ص ٣٠٨	اللهمّ من كنت مولاه فان علياً مولاه

	وال من والاه وعاد من عاداه واحب من احبه وابغض من ابغضه واعن من اعانه وانصر من نصره واخذل من خذله
الشریعة، ح ۱۵۸۲	فان هذا مولاه من كنت مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه
خصائص، ح ۹۶	من كان الله ورسوله وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه ^۱

علت اینکه روایات زیاد نقل شده و متن احادیث نیز تقریباً مختلف است به خاطر این است که در هنگام نقل احادیث و روایات، مردم آنرا نسخه برداری نمی کردند که همانجا بنویسند بلکه به ذهنشان می سپردند. طبعاً آن جمله‌ای از این حدیث که بیش از هر جمله دیگر به یاد افراد می ماند آنجایی است که اسم علی (ع) برده شده است.^۱

نام تعدادی از راویان مشهور و رهبران سیاسی

راویان دیگری نیز وجود دارند که در کتابهای مختلف خود به حدیث غدیر خم اشاره کرده‌اند و تعداد آنان بیش از آنست که ما بتوانیم در اینجا بگنجانیم. از جمله رهبران سیاسی بعضی مذاهب مانند:

۱- ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴هـ.ق)، امام شافعیه

۲- ابو عبدالله احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱هـ.ق)، پیشوای حنبلیان

۳- حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶هـ.ق)، مؤلف «صحیح بخاری»

^۱ - نقل های حدیث غدیر در منابع روایی قرون مختلف، مهدی خسروی سیرشکی
^۱ - امامت و رهبری، شهید مطهری، ص ۱۱۳

۴- حافظ ابو عبدالله ابن ماجه (م ۲۷۱هـ ق) صاحب «سنن ابن ماجه»

۵- ابو محمد عبد الله بن مسلم بن قتيبه دينورى (م ۲۷۶هـ ق) و...^۲

همچنين راويان معروفى از جمله:

«ابن عقده» (الولاية فى طرق حديث الغدير)،

«ابوبكر تميمى جعابى» (من روى حديث غدیر خم)،

«ابن انبارى واسطى» (طرق حديث الغدير)،

«ابو غالب احمد بن محمد زرارى» (جزء فى خطبة الغدير)،

«ابوالفضل محمد بن عبد الله شيبانى» (من روى حديث غدیر خم)،

«حافظ دارقطنى» (جزء فى طرق حديث الغدير)

«شيخ محسن بن حسين بن احمد نيشابورى» (بيان حديث الغدير)،

«على بن عبدالرحمان بن عيسى عروة الجراح» (طرق خبر الولاية)،

«ابو عبد الله حسين بن عبيد الله غضائرى» (كتاب يوم الغدير)،

«حافظ ابو سعيد مسعود بن ناصر بن ابى زيد سجستانى» (الدراية فى حديث الولاية)،

«ابوالفتح محمد بن على بن عثمان كراچكى» (عدة البصير فى حج يوم الغدير)،

«على بن بلال» (حديث الغدير)،

«شيخ منصور اللاتى رازى» (حديث الغدير)

«شيخ على بن حسن طاطرى» (كتاب الولاية؛ فضائل امير المؤمنين - ع -)،

«ابوالقاسم عبيدالله بن عبدالله حسانى» (دعاء الهداء الى اداء حق المولاة)

^۲- الغدير، ج ۱، ص ۱۹۱، برگرفته از ك: «بر كناره‌هاى غدیر»

«شمس الدین محمد بن احمد ذهبی» (طرق حدیث الولاية)

«شمس الدین محمد بن محمد جزری دمشقی» (أسنى المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب)،

و...

که در مورد تألیفات صورت گرفته در این قرون، علاقمندان میتوانند به کتاب الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۶ رجوع نمایند.

نقد دیدگاه های اهل سنت درباره حدیث غدیر

در کتاب «احقاق الحق» فهرستی از چهارده نفر از علمای عامه (از جمله: سیوطی، جزری، جلال الدین نیشابوری، ترکمانی ذهبی) و پنجاه مصدر معتبر عامه (از جمله: سنن المصطفی، مسند احمد، خصائص نسائی، عقدالفرید، حلیة الاولیاء) نقل می شود. که همگی به تواتر حدیث غدیر اعتراف نموده اند.^۱

ابن حزم در «منهاج السنة» نیز چنین گفته است.^۲

^۱- احقاق الحق، ج ۲، ص ۴۲۳ والمستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۱۰۹ و ۱۱۰
^۲- الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب، علامه امینی، ج ۱، ص ۳۲۰

اکنون نظر برخی از اعظام اهل سنت درباره حدیث غدیر را در اینجا ذکر می‌کنیم:

ضیاء الدین مقبلی می‌گوید: اگر حدیث غدیر قطعی نیست پس هیچ چیز قطعی در دین وجود ندارد.

غزالی گفته است: جمهور مسلمین اجماع دارند بر متن حدیث غدیر.

بدخشی می‌گوید: حدیث غدیر، حدیث صحیحی است که کسی درباره صحت آن اشکال نمی‌کند مگر تعصب انکارگر که به سخن او اعتنایی نمی‌شود.

آلوسی می‌نویسد: حدیث غدیر، حدیث صحیحی است که نزد ما ثابت شده است و هیچ مشکلی در آن نیست و هم از رسول خدا - صلی الله علیه وآله - و هم از خود امیرالمؤمنین - علیه السلام - به صورت متواتر نقل شده است.

حافظ اصفهانی گفته است: حدیث غدیر، حدیث صحیحی است که صد نفر از صحابه آن را نقل کرده اند که «عشره مبشره» از جمله این صد نفرند.^۱

حافظ سجستانی حدیث غدیر را از صدو بیست نفر از صحابه نقل نموده است و حافظ ابن العلاء همدانی آن را از صدوپنجاه طریق روایت نموده است.^۲

حافظ ابن حجر عسقلانی در «تهذیب التهذیب» ضمن بیان برخی از راویان حدیث غدیر و برخی طرق آن می‌گوید: ابن جریر طبری اسناد حدیث غدیر را در یک کتاب گردآورده و آن را صحیح شمرده است، و ابوالعباس ابن عقده نیز آن را از طریق هفتاد نفر از صحابه یا بیشتر روایت نموده است.^۳

^۱ - عشره مبشره: ده نفرند که بنا به عقیده اهل سنت، پیامبر به طور قطع آنان را اهل بهشت دانسته و بدانان بشارت بهشت داده است.

^۲ - الغدیر، ج ۱، ص ۳۱۴

^۳ - تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۲۸۸

نیز در کتاب «فتح الباری بشرح صحیح البخاری» آمده است: حدیث «من كنت مولاه فعلىّ مولاه» را ترمذی و نسائی نقل نموده اند و طرق و سندهای آن بسیار است جداً، که همه آنها را ابن عقده در کتابی مستقل آورده است و بسیاری از سندهای آن صحیح و حسن است و برای ما از امام احمد حنبل روایت کرده اند که گفته است: آنچه درباره فضایل علی - علیه السلام - به ما رسیده است درباره هیچ یک از صحابه نرسیده است.^۱

قندوزی حنفی پس از نقل حدیث غدیر از طرق بسیار و از کتب مختلف می نویسد: محمد بن جریر الطبری صاحب تاریخ، حدیث غدیر خم را از هفتاد و پنج طریق نقل کرده است و کتاب مستقی به نام «الولایة» درباره آن تألیف نموده است.

نیز ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید بن عقده در تألیف مستقی آن را از یکصد و پنجاه طریق نقل نموده است.^۲

حافظ محمد بن محمد بن محمد الجزری دمشقی به هنگام نقل احتجاج و مناشده امیر المؤمنین (ع)، درباره حدیث غدیر چنین می نگارد: این حدیث حسن است و این روایت (مناشده) به صورت متواتر از علی (ع) نقل شده است، همان گونه که آن (حدیث غدیر) نیز از رسول خدا - صلی الله علیه وآله - متواتراً نقل شده است و گروه بسیاری از گروه بسیاری دیگر آن را نقل کرده اند، پس اعتنایی به سخن آنان که قصد تضعیف این روایت را دارند نمی شود؛ زیرا آنان از علم حدیث اطلاعی ندارند.^۳

حدیث غدیر را بخاری و مسلم در صحیحشان نیاورده اند، ولی این مسئله به هیچ وجه موجب اشکالی در سند روایت غدیر نمی شود؛ زیرا تعداد روایاتی که حتی به نظر خود بخاری و مسلم نیز

^۱- فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، بیروت، ج ۷، ص ۶۱

^۲- ینابیع المودة، قندوزی، ج ۱، ص ۳۵

^۳- اسمی المناقب فی تهذیب اسنی المطالب، ص ۲۲

صحیح است (صحیح علی شرط الشیخین) و هیچ شکی در آنها نیست ولی در «صحیح بخاری و مسلم» نیامده است، اندک نیست، و از همین روی چندین مستدرک بر آنها نگاشته شده است. اگر تمامی روایات صحیح در «صحیح بخاری» گرد آمده بود، به صحاح دیگر نیازی نبود، در حالی که همه می دانند هیچ دانشمند محقق و منصفی نیست که خود را با داشتن «صحیح بخاری» یا «صحیح بخاری و مسلم»، از دیگر کتب صحاح بی نیاز بداند.

از طرفی دیگر خود بخاری و مسلم نیز بیان کرده اند که آنچه را در این کتاب آورده ایم صحیح است، نه اینکه تمام روایات صحیح را بیان کرده ایم، بلکه بسیاری از احادیث صحیح را بنا به عللی نیاورده ایم.^۱

اضافه بر تمام این مطالب، علامه امینی (ره) روایت غدیر را از بیست و نه نفر از مشایخ بخاری و مسلم نقل می کند.^۲

فهرست بعضی از استنادات حضرت علی (ع) به حدیث غدیر

در این بخش بر آنیم تا قسمتی از استنادات امیرالمومنین علی (ع) به حدیث غدیر که در زمانها و مکانهای مختلفی ایراد شده را بصورت تیتروار — جهت اثبات منزلت این یوم — ذکر نماییم. همچنین جهت جلوگیری از اطاله کلام، از آوردن اصل خطبه‌ها و یا داستانها و... خودداری نموده و با دادن منابع و مآخذ، علاقمندان را جهت مطالعه بیشتر دعوت می‌نماییم.

۱ - طولانی‌ترین کلامی، که پیرامون غدیر خم و عظمت آن، از حضرت علی (ع) نقل شده است،

خطبه‌ای است که در جمعه‌ای که با سالگرد غدیر خم مصادف بود در کوفه ایراد شده است.

^۱- ر.ک: صحیح المسلم بشرح النوری، ج ۱، ص ۲۴؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳

^۲- الغدیر، علامه امینی، ج ۱، ص ۲۲۰، بر گرفته شده از مقاله ماهنامه کوثر، نقد دیدگاه‌های اهل سنت درباره حدیث غدیر، سید محمود مدنی

شیخ طوسی در صفحه ۷۵۲ مصباح المتعجد این خطبه را بطور کامل آورده است و علامه مجلسی در جلد ۹۷ بحارالانوار آن را از «مصباح الزائر» سید بن طاووس نقل می‌کند.

۲ - امیر مؤمنان علی(ع) در نامه‌ای، که در قالب نظم برای معاویه فرستاد، به حدیث غدیر تصریح کرده است. کتابهای زیر بخشی از منابعی است که این ابیات در آنها دیده می‌شود:

الف) الفصول المهمة، ابن الصباغ المالکی، ص ۱۵.

ب) تذکره الخواص، ابن الجوزی، ص ۱۰۳.

ج) فوائد السمطين، حموی، ج ۱، ص ۴۲۷.

د) الفصول المختارة، شیخ مفید، ج ۲، ص ۷۰.

و) الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۴۲۹.

۳ - همچنین اشعار بسیار زیبایی از حضرت علی(ع) نقل شده است، که امام(ع) برای اثبات حقانیت خویش به حدیث غدیر خم تمسک جسته است.

این اشعار در صفحه ۷۸ ینابیع الموده قندوزی حنفی، صفحه ۵۴۰ دیوان منسوب به امیرالمؤمنین و صفحه سی و دو جلد دوم الغدیر نقل شده است.

۴ - حضرت علی(ع) در مجلسی که انس بن مالک، براء بن عازب، اشعث بن قیس و خالد البجلی حضور داشتند، خطبه‌ای ایراد کرد و از این چهار تن خواست که بر درستی حدیث غدیر گواهی دهند. ولی هر چهار تن به خاطر ملاحظات سیاسی از ادای شهادت خودداری کردند. حضرت در باره هر یک آنها دعایی کرد که به اجابت رسید.

شیخ صدوق(ره) در کتابهای «الخصال» و «امالی» خود از این واقعه یاد کرده است. این مطلب در جلد دوم، مناقب آل ابی طالب ج ۲ و جلد ۳۱ و بحارالانوار نیز نقل شده است.

۵ - داستان نفرین حضرت درباره کسانی که حدیث غدیر را کتمان کردند در منابع معتبر بسیار آمده است. انساب الاشراف، اسدالغابه، مسند احمد، و البدایة و النهایة بخشی از راویان این واقعه شمرده می‌شوند.

۶ - امیر مؤمنان علی - علیه السلام - در روایتی طولانی هفتاد فضیلت ویژه خود را بیان کرده، در ضمن آنها از حادثه غدیر خم نیز سخن گفته است. این روایت را شیخ صدوق (ره) در جلد دوم کتاب خصال آورده است.

۷ - همچنین در صفحه ۱۶۶ کتاب بشارة المصطفی حادثه غدیر و سخنان پیامبر اکرم (ص) در آن روز از زبان علی (ع) نقل شده است.

۸ - حضرت علی (ع) هنگام عزیمت به سوی شام برای جنگ با معاویه، در یکی از منازل بین راه، خطبه‌ای نسبتاً طولانی ایراد کرد، او ضمن تشویق یارانش به جهاد در راه خدا به حدیث غدیر استناد جست و مردم را به اطاعت از خود دعوت کرد.

این خطبه را شیخ مفید (ره) در جلد اول کتاب ارشاد، طبرسی در جلد اول الاحتجاج و علامه مجلسی بحارالانوار در جلد ۳۲ و ۳۴ نقل کرده‌اند.

۹ - قضیه معمم شدن امیرمؤمنان علی - علیه السلام - به وسیله پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر، از مواردی است که حضرت پیرامون غدیر خم صحبت کرده است.

ابن صباغ مالکی در «الفصول المهمة» این کلام حضرت را نقل کرده است. علامه امینی در جلد اول الغدیر از چندین منبع دیگر اهل سنت نام برد که این حدیث را نقل کرده‌اند.

۱۰ - حضرت علی (ع) در جواب سؤال کسی که گفت: مهمترین فضیلت خود را از زبان پیامبر اکرم (ص) بیان کنید، به حادثه غدیر و وجوب ولایت خود اشاره می‌کند.

این روایت را طبرسی در جلد اول کتاب احتجاج نقل کرده است. کتاب سلیم بن قیس و جلد
چهلیم بحارالانوار نیز از منابع این حدیث شمرده می‌شود.

۱۱ - حضرت علی (ع)، در توضیح حدیث «ان حدیثنا اهل البیت صعب مستصعب»، حدیث غدیر
را بیان کرده، از آزمون مؤمنان در این مسیر سخن گفته است.

این روایت در صفحه ۵۵ تفسیر فرات کوفی و نیز جلد ۲۵ بحارالانوار دیده می‌شود.

۱۲ - ابن عساکر شافعی در جلد دوم تاریخ دمشق به طرق مختلف حدیث غدیر را از زبان علی
- علیه السلام - نقل کرده است. همچنین ابن مغزلی شافعی در صفحه ۲۱ کتاب «المناقب»،
ابن کثیر در جلد پنجم البدایة و النهایة و هیثمی در جلد نهم مجمع الزوائد سخنان حضرت را نقل
کرده‌اند.^۱

منزلت سوم

غدیر در سیره اهل بیت (ع)

اهل بیت پیامبر (ص) و امامان بر حق شیعه، که نگاهبان اسلام حقیقی بودند و سعی داشتند آن را
از خطرات دور سازند، از هر فرصتی بهره بردند تا غدیر را زنده بدارند و آن خاطره گرامی و به یاد
ماندنی را مطرح کنند؛ زیرا در تابش آفتاب غدیر، اهداف والای پیامبر جامه عمل می‌پوشد و برای
فتنه‌انگیزی کج‌اندیشان فرصت باقی نمی‌ماند.

نگاهی گذرا به سیره فاطمه و امیرمؤمنان - علیهما السلام - و دیگر امامان راستین شیعه ما را با
اهمیت واقعه غدیر و نقش عظیم و سرنوشت‌ساز آن در هدایت و نیکبختی بشر آشنا می‌سازد.

^۱ - م. غدیر از گلوی شقایق، محمد محمدیان تبریزی، بر گرفته شده از مقاله ماهنامه کوثر،

حدیث غدیر در معرکه صفین

علی(ع) در یکی از روزها در جمع سپاه خود، که گروهی از مهاجرین و انصار نیز در آن به چشم می‌خوردند از زبان پیامبر خدا(ص) فضایل خویش را برشمرد. آیات شریف «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة...» (مائده، ۵۵) و «لم یتخذوا من دون الله و لا رسوله و لا المؤمنین ولیجه» (توبه، ۱۶) را تلاوت کرد و فرمود: مردم پرسیدند یا رسول الله، آیا ولایت اختصاص به بعضی از مؤمنان دارد یا برای عموم است؟ در آن هنگام خداوند فرمان داد تا پیامبرش ولایت را همانند نماز، روزه، زکات و حج توضیح دهد و تبیین کند. در آن وقت پیامبر خدا(ص) در غدیر خم مرا ولی امر مردم قرار داد و چنین خطبه خواند: «ان الله ارسلنی برسالة... من کنت مولاه فعلی مولاه...»^۱

خطبه غدیریه امیرمؤمنان(ع) در زمان حکومت

در دوره حاکمیت علی بن ابی طالب(ع) اتفاقاً روز عید غدیر با جمعه مصادف شد. مسلمانان حضور چشم‌گیری پیدا کردند و آن حضرت برای اقامه نماز جمعه و خواندن خطبه‌های آن در برابر مردم قرار گرفت. حسین بن علی(ع) می‌گوید: پنج‌ساعت از روز گذشته بود[قبل از اذان ظهر]، که پدرم خطبه‌ها را آغاز کرد. او نخست به حمد و ثنای حضرت حق پرداخت، صفات ربوبی‌اش را برشمرد، حاکمیت مطلق را از آن وی دانست، نعمت‌هایش را مورد توجه قرار داد و بعد خطاب به مردم فرمود: خداوند تعالی امروز دو عید بسیار بزرگ [جمعه و غدیر] را برای شما در یک زمان قرار داده است؛ دو عیدی که هر یک فلسفه وجودی دیگری را تکامل می‌بخشد و به وسیله هر یک هدایت در دیگری اثر می‌بخشد... سپس فرمود: توحید و ایمان به یگانگی خداوند پذیرفته نمی‌شود مگر با اعتراف به نبوت پیامبرش

۱- بحارالانوار، ج ۳۳، ص ۱۴۷-۱۴۶.

محمد(ص) و دین و شریعت محمد(ص) پذیرفته نمی‌شود مگر با قبول ولایت امر کسی که خدا فرمان ولایتش را داده است؛ و همه این امور سامان نمی‌پذیرد مگر بعد از توسل و تمسک به اهل ولایت.

غدیر از نگاه مولی الموحدین(ع)

علی(ع) سپس فرمود: «خداوند در روز غدیر آنچه در باره منتخبین خود اراده کرد بر پیامبرش فرو فرستاد، به او فرمان داد تا ولایت و وصایت را ابلاغ کند و مجال را از کافران و منافقان بگیرد و نگران گزند دشمنان نباشد. روز غدیر قدر و منزلت بسیار دارد، در آن روز گشایشهای الهی فرا رسیده و حجتش بر همه تمام شده است. امروز روز روشنگری و اظهار عقیده از جایگاه بلند و روشن است، امروز روز تکامل دین و روز وفای به عهد است. غدیر روز شاهد [رسول الله(ص)] و مشهود^۱ [علی بن ابی طالب(ع)] است، روز در هم ریختن پیمانهای زیر پرده کفر و نفاق است، روز آشکار شدن حقایق اصیل اسلام است، روز ذلت و خواری شیطان است، روز استدلال و برهان است، روز جدا شدن صفوف کسانی است که آن را تکذیب می‌کردند امروز بزرگترین روزی است که عده‌ای از شما از آن اعراض کردید، روز هدایت و امتحان بندگان خداست، روز آشکار شدن کینه‌های نهفته در دلها و سینه‌هاست، روز عرضه نصوص [سخنان بدون ابهام پیامبر(ص)] بر افراد مؤمن و دل‌باخته [اهل الخصوص] است، غدیر روز شیت پیامبر(ع) است، روز ادريس و یوشع و شمعون و ...»

استدلال ام‌الائمہ ، فاطمه زهرا(س) به حدیث غدیر:

حضرت فاطمه زهرا(س) یگانه یادگار رسول اکرم(ص) است، که همچون دیگر اهل بیت(علیهم

السلام) بارها به یادآوری واقعه غدیر پرداخت. نگاهی به سخنان آن بزرگوار جایگاه وی در عرصه اخبار غدیر را آشکار می‌سازد:

^۱ - تفسیر شاهد و مشهود را می‌توان در موارد ذیل یافت: اصول کافی، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۶۹؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۸۶، ح ۱؛ ج ۳۶، ص ۱۱۴، ح ۶۱.

گروهی از انصار، برای توجیه خطای خویش، به ایشان گفتند: اگر مطالب شما را قبل از بیعت با

دیگران می‌شنیدیم با غیر علی بیعت نمی‌کردیم. حضرت فرمود:

آیا پدرم در روز غدیر برای کسی جای عذر باقی گذاشت؟ و نیز در جواب محمود بن لبید که پرسیده

بود: آیا از سخنان پیامبر دلیلی بر امامت علی دارید؟

فرمود: شگفتا، آیا روز غدیر را فراموش کردید؟!

روایتی با سند بسیار دقیق و مشهور بیان می‌دارد که دختر بزرگوار پیامبر حدیث غدیر را چنین بیان

فرمود:

قال رسول الله (ص): «من كنت وليه فعلى وليه و من كنت امامه فعلى امامه.»

رسول خدا(ص) فرمود: هر که من سرپرست اویم علی سرپرست اوست و هر که من امام او هستم علی

امام اوست.

استدلال امام حسن مجتبی (ع) به حدیث غدیر:

۱- هنگامی که امام حسن مجتبی (ع) تصمیم گرفت با معاویه صلح کند، خطبه ای ایراد

فرمود در بخشی از آن خطبه تاریخی آمده است: این امت از جدم رسول خدا(ص) شنید که می‌فرمود:

«هر امتی کسی را متولی امور خود کند که از او داناتر و شایسته‌تر در میان خود داشته باشند،

هماره رو به تنزل می‌روند، مگر آن را که شایسته‌تر است، مقدم بدانند» و شنید که به پدرم می

فرمود: «تو نسبت به من، همانند هارونی نسبت به موسی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست» و

شنیدند که در غدیر خم دست پدرم را گرفت و می‌فرمود: «هرکس را که منم مولای او، علی مولای

اوست خدایا! دوست بدار آنکه علی رادوست می دارد و دشمن بدار آن را که با علی دشمن است «
آنگاه به حاضران فرمود تا غایبان را آگاه سازند .

غدیر خم در خطبه امام مجتبی(ع)

حسن بن علی(ع) در برابر طاغوت شام و مردم کوفه خطبه‌ای خوانده، مردم را به بالاترین نعمت از دست رفته، که حاکمیت اهل بیت(ع) بود، توجه داد. شایستگی و لیاقت خویش و مشروعیت خلافتش را متذکر شد و داستان روز بیاد ماندنی غدیر را چنین بازگو کرد: مردم سخن جدم پیامبر(ص) را به یاد دارند که می‌فرمود: هر گاه مردم کسی را به رهبری خویش برگزینند در حالی که لایقتر و آگاهتر از آن فرد وجود داشته باشد، برای خویش تیره‌بختی خریده‌اند مگر اینکه دوباره بدانچه رها کردند و به فراموشی سپردند بازگردند و آنچه را که از پیامبرشان درباره پدرم شنیده‌اند دنبال کنند، رسول خدا می‌فرمود: ای علی تو بعد از من مانند هارون پس از موسی هستی، او جانشین برادرش موسی بوده تو نیز جانشین و خلیفه منی؛ تنها تفاوت [میان آنها و ما] این است که بعد من پیامبری و نبوت نخواهد بود. امام مجتبی(ع) سپس فرمود: این مردم پیامبر خود را دیدند و سخنانش را در «غدیر خم» شنیدند. در آن روز جدم رسول خدا(ص) دست پدرم(ع) را گرفت و در برابر آنان گفت: هر کس من مولا و سرپرست او هستم علی مولای او خواهد بود؛ خدایا، دوست بدار هر کس او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس او را دشمن دارد... سپس جدم پیامبر(ص) دستور اکید داد که، حاضران مطالب غدیر را به غایبان برسانند.^۱

^۱«وقد سمعت هذه الامم جدى - صلى الله عليه و آله - يقول: ما ولى امه امرها رجلا و فيهم من هو اعلم منه الا لم يزل يذهب امرهم سفالا حتى يرجعوا الى ما تركوه و سموه - صلى الله عليه و آله - يقول لابي: انت منى بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدى. و قد راوه و سموه(ص) حين اخذ بيد ابي بغدير و قال لهم: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عادته ثم امرهم ان يبلغوا الشاهد منهم الغائب ثم قال...»

یکسال قبل از مرگ معاویه، امام حسین - علیه السلام - به زیارت بیت الله الحرام در مراسم پر شکوه، حج مشرف شد عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر او را همراهی نمودند. آن سال عده زیادی از زنان و مردان بنی هاشم حضور داشتند. امام حسین(ع) در ایام تشریق آنان را در سرزمین منی جمع نمود در آن اجتماع عظیم بیش از هفتصد نفر از مردان تابعین و دوست نفر از صحابه پیامبر خدا(ص) گرداگرد وجودش زیر خیمه حلقه زدند و منتظر سخنان امام خویش بودند، حضرت پیا خاست و پس از حمد و ثنای الهی فرمود:

شما شاهد و ناظر تجاوزات معاویه جنایتکار نسبت به ما و شیعیان هستید و از آنها اطلاع دارید، سخنان مرا گوش کنید و بنویسید [تا برای آیندگان بماند] و به دیگر شهرها و قبائل و افراد مؤمن و مورد اعتماد خود برسانید و آنان را دعوت به اداء حق ما (اهل بیت) کنید ترس آن دارم که وقتش بگذرد و حقوق ما مغلوب ستمگر گردد، گر چه خداوند بالاترین پشتیبان است. سپس فرمود: شما را به خدا سوگند: بیاد نمی آورید که پیامبر خدا(ص) روز غدیر خم پدرم علی(ع) را وصی و امام بعد از خود قرار داد و حدیث ولایت را بر شما خواند و فرمود همگی باید این پیام را به دیگران برسانید پاسخ دادند: چرا ما بیاد داریم.^۱

^۱ - موسوعة کلمات الامام الحسین(ع)، ص ۲۷۰؛ الغدير، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۹، چاپ چهارم

امام محمد باقر (ع) و حدیث غدیر

فضیل بن یسار، بکیر بن اعین، محمد بن مسلم، برید بن معاویة و ابوالجارود همگی در محضر امام

باقر (ع) بودند. حضرت در باره ولایت علی بن ابی طالب (ع) و روز غدیر فرمودند:

خداوند پیامبرش را مامور به ولایت علی [علیه السلام] کرد و این آیه شریفه را نازل کرد: «انما

ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة»^۲ با نزول آیه فوق ولایت اولی

الامر واجب گردید و لکن عده‌ای نفهمیدند اولی الامر چه کسانی هستند؟ خداوند به محمد (ص) دستور

داد تا آن را توضیح دهد و همانند نماز و زکات و روزه و حج مصادیق خارجی آن را روشن سازد. در

آن هنگام اضطراب او را فرا گرفت و ترسید عده‌ای بواسطه آن از آیین اسلام برگردند و او را تکذیب

کنند او به خدا پناه برد. در آن هنگام آیه تبلیغ «یا ایها الرسول بلغ...»^۱ نازل گشت پیامبر خدا (ص) امر

حق را اجرا نمود و در غدیر خم ایستاد و فرمان اجتماع مردم و زوار بیت الله الحرام را داد و در آنجا

علی بن ابی طالب (ع) را ولی بعد از خود معرفی کرد و دستور داد آنانی که در آنجا (غدیر خم) بودند پیام

خداوند (ولایت علی (ع)) را به دیگر افراد برسانند.

^۲ - مائده، ۵۵.

^۱ - مائده، ۶۷.

حسان جمال می گوید: همراه امام صادق(ع) از مدینه به مکه مسافرت کردم. در نزدیکی میقات جحفه، چون به «مسجد غدیر» رسیدیم امام - علیه السلام - به جانب چپ مسجد نگریست و فرمود: این مکانی است که پیامبر خدا(ص)، در روز غدیر، علی را جانشین خود معرفی کرد و فرمود: من کنت مولاه فعلی، مولاه. آنگاه امام(ع) به جانب دیگر نگاه کرد، جایگاه خیمه های دیگران را نشان داد و فرمود: سالم غلام ابو خذیفه و ابو عبیده جراح نیز در آنجا بود؛ گروهی از مردم چون علی(ع) را بر روی دست پیامبر دیدند با حسادت به وی نگریستند و به یکدیگر می گفتند: به دو چشم او [پیامبر] نگاه کنید، چگونه همانند دیوانه به اطراف خویش می نگرد و قرار ندارد. در این هنگام جبرئیل نازل شد و این آیات را بر پیامبر خدا(ص) قرائت کرد:

«و ان یکاد الدین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما هو الا ذکر للعالمین».^۲

آنان که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند؛ آنها می گفتند: او واقعا دیوانه است، در حالی که قرآن جز بیداری و آگاهی برای جهانیان نیست.^۳

^۲ - قلم، ۵۲ - ۵۱

^۳ - فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۶؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۹۹. روایات دیگری نیز در شان این آیه وارد شده است که همین مضمون را نشان می دهد. ر ک: تفسیر علی بن ابراهیم؛ روضه کافی، ص ۳۴۴، ح ۵۴۲.

امام کاظم (ع) و مسجد غدیر

عبدالرحمان بن حجاج گفت: خدمت موسی بن جعفر (ع) رسیدم. در حالی که قصد سفر داشتیم، از

آن حضرت در باره مسجد غدیر خم پرسیدم.

امام - علیه السلام - فرمود: در آن مسجد نماز بخوانید که فضیلت و ثواب بسیار دارد، پدرم [به

هر که عازم آن دیار بود] فرمان می داد تا در مسجد غدیر نماز بگذارد.^۱

امام رضا (ع) و حدیث غدیر

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می گوید: در منزل امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) نشسته

بودم، جمع بسیاری نیز در منزل حضرت گرد آمده بودند که گفتگو در باره روز غدیر آغاز شد؛ بعضی از

افراد وجود روز غدیر را در صدر اسلام منکر شدند و بعضی آن را از شعائر اسلامی می دانستند. در این

هنگام، علی بن موسی الرضا (ع) فرمود: پدرم از جدم «جعفر بن محمد» چنین نقل می کرد:

«آسمانیان روز غدیر را بهتر از زمینیان می شناسند، خداوند در بهشت برین ساختمان بزرگی را به

خود اختصاص داده است؛ این ساختمان از آجرهای نقره و طلا ساخته شده، در آن صد هزار گنبد از

یاقوت سرخ و صد هزار گنبد از یاقوت سبز وجود دارد، خاک و گل های به کار گرفته شده در این قصر

از مشک و عنبر است، در آن چهار جوی (یا رودخانه) به چشم می خورد که در هر یک از آنها خمر و

آب زلال و شیر و عسل جریان دارد؛ در اطراف این جویبارها درختان انبوهی از میوه های مختلف روییده،

بر روی آنها پرندگانی پرواز می کنند که بدنشان از لؤلؤ و پرهایشان از یاقوت است؛ آنها با پرواز

خویش صداهای دلنوازی ایجاد می کنند.

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۴۹، ح ۲، ب ۶۱؛ فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۶، ح ۱؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸، ح ۲۱، ب ۱۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵۹، ح ۳۱۴۳.

روز غدیر در این قصر بزرگ باز می‌شود؛ فرشتگان و اهل آسمانها تسبیح‌گویان به قصر داخل می‌شوند؛ آن پرندگان به پرواز درآمده در جویبارها خود را مرطوب می‌سازند و سپس به آن مشک و عنبر آغشته کرده، و عطرش را در فضای ملکوتی قصر منتشر می‌سازند؛ فرشتگان الهی به نام فاطمه زهرا(س) به یکدیگر هدیه می‌دهند؛ چون پایان روز غدیر فرا می‌رسد، به فرشتگان گفته می‌شود به جایگاههای خویش برگردید شما تا سال آینده، مثل چنین روزی، از اشتباه و لغزش در امان هستید و بدانید همه این موهبت‌ها به خاطر عظمت پیامبر ما محمد و وصی او علی بن ابی طالب - علیهما السلام - است.»^۱

همچنین سایر ائمه (ع) نیز به نوبه خود در ارتباط با موضوع غدیر خم اشاراتی داشته و در سخنرانی‌ها و محافل علمی و سیاسی و... به ذکر این موضوع پرداخته‌اند که ما از آوردن تمام اینها در اینجا معذوریم. همچنانکه در مورد حضرات معصومین (ع) که نام آنها برده شد فقط به یک موضوع آن پرداخت شد و دیگر فرمایشات آنان که در این زمینه می‌باشد را حذف نمودیم تا ملال خاطر خوانندگان نگردد.

^۱ - فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۸

منزلت چهارم

استدلالات اصحاب و یاران پیامبر(ص) به حدیث غدیر خم

اصحاب و یاران چندین ساله پیامبر بزرگوار اسلام که اکثراً با ایشان بوده و همراه و همگام پیامبر(ص) بودند و در شادی و غم همراه پیامبر بودند نیز دارای استدلالهایی هستند که در اینجا به آنها اشاره میشود. هر چند قطعاً عده‌ای از آنان بعد از رحلت پیامبر (ص) از حق دوری جستند و به صف دشمنان علی(ع) پیوستند اما باز زبان به اعتراف گشوده و خود را محکوم و حقانیت علی(ع) را اثبات نموده‌اند که این افراد نیز کم نیستند و ما فقط به تعدادی از آنان اشاره کرده‌ایم:

استدلال جناب عمار یاسر به حدیث غدیر

در جنگ صفین هنگامی که جناب عمار یاسر با عمرو عاص مواجه شد، فرمود: رسول خدا به من دستور داد با ناکشین بجنگم و من امرش را اطاعت کردم و فرمود با قاسطین بجنگم و شما همانها هستید که با شما می‌جنگم و نمی‌دانم به جنگ با مارقین هم موفق می‌شوم یا نه. ای مرد ابتر آیا نمی‌دانی که رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود: من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه؟

استدلال جوانی ناشناس به حدیث غدیر

ابوهریره وارد مسجد کوفه شد، مردم گرد او را گرفته بودند، هر کس چیزی می‌پرسید جوانی برخاست و گفت: تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا تو از رسول خدا(ص) شنیدی که می‌فرمود: «هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست خدایا! دوست بدار آن را که دوستش می‌دارد و

دشمن داشته باش آن را که با او دشمنی کند» ابوهیره گفت: «شهادت می دهم که خود از رسول خدا (ص) شنیدم که چنین فرمود».

استدلال عمرو بن عاص به حدیث غدیر

همه می دانند که عمرو بن عاص یکی از دشمنان سرسخت امیرالمؤمنین (ع) بوده است. وی افکار آشفته معاویه را سازمان بخشید و او را برای مقابله با امیرالمؤمنین (ع) آماده کرد. با دسیسه های خود او را از سقوط حتمی رهاوند، و با طرح مساله حکمیت لشکر شام را نیرو بخشید و سپاه کوفه را به اختلاف و تفرقه انداخت. همان جا بود که نطفه خوارج منعقد شد و برای این خدمت، حکومت مصر را از معاویه _____ پاداش گرفت _____ .

پیش از آنکه معاویه حکومت مصر را به او پیشنهاد کند، در نامه ای از او تقاضای کمک کرده می نویسد: «علی باعث قتل عثمان شد و من خلیفه عثمان هستم».

عمرو در جواب معاویه می نویسد:

نامه ات را خواندم و فهمیدم اما اینکه از من خواسته ای از دین اسلام خارج شده با تو به وادی ضلالت وارد شوم و تو را در راه باطلت یاری کنم و به روی امیرالمؤمنین شمشیر بکشم ، در حالی که او برادر، ولی ، وصی و وارث رسول خداست و هموست که دین پیامبر را ادا کرد و وعده هایش را جامه عمل پوشاند، همو که داماد او و شوهر بانوی زنان جهان و پدر حسن و حسین سرور جوانان بهشتی است _____ ، نمی پذیرم _____ .

... وای بر تو ای معاویه ! آیا نمی دانی که ابوالحسن جانش را در راه خدا نثار کرد و در بستر رسول خدا (ص) خوابید و رسول خدا (ص) درباره اش فرمود: «هرکس من مولای او هستم ، علی مولای اوست».

شخصی به نام یزید بن عمر می گوید: « من در شام بودم ، عمر بن عبدالعزیز اموالی را تقسیم می کرد، من هم برای دریافت سهمم رفتم ، وقتی نوبت به من رسید، گفت : تو از کدام قبیله ای ؟

گفتم : از قریش. گفت از چه طایفه ای ؟ گفتم بنی هاشم. گفت : از کدام تیره ؟

گفتم : از وابستگان علی (ع). گفت : کدام علی ؟ من پاسخ ندادم. عمر بن عبدالعزیز دست به سینه اش نهاده گفت : به خدامن هم از وابستگان علی هستم گروهی برای من روایت کرده اند که پیامبر(ص) درباره او فرمود: «هر کس من مولای او هستم ، علی مولای اوست». آنگاه رو به دستیار خود کرده گفت : به امثال این شخص چقدر می دهی ؟ گفت : صد یا دویست درهم گفت : اینک به او پنجاه دینار بده ، چون ولایت علی بن ابی طالب را دارد آنگاه به شهر خود برگرد، سهمت را نیز در آنجا دریافت خواهی کرد .

چنانکه می بینیم در تمام این گفتگوها خلافت حضرت امیرالمؤمنین (ع) مورد بحث است. استدلال کنندگان، با این حدیث ، خلافت حضرت امیر(ع) را اثبات می کنند، و مقام و منزلتی که از این اخبار برای غدیر خم بدست می آید برای هیچ یک از رویدادها اینگونه توصیف نشده و دارای اینگونه تواتر نمی باشد.

بنابراین اگر کسی به هر انگیزه ای در مفاد حدیث غدیر تشکیک کند، نه تنها حقیقت را کتمان کرده، کلام رسول خدا(ص) را نیز تحریف نموده است ، و به قول مامون، خلیفه عباسی، چیزی را به رسول مکرم اسلام نسبت داده که نمی توان به نوجوانی پانزده ساله نسبت داد.^۱

^۱ - - غدیر از دیدگاه اهل بیت (ع)، احمد زمانی، ماهنامه کوثر

منزلت پنجم

زنان راوی غدیر

حضور زنان در حجة الوداع بارزترین و ماندگارترین نوع شرکت در صحنه‌های اجتماعی است. اخبار فراوانی که به وسیله راویان زن از این مراسم عظیم نقل شده، گویای تلاش گسترده زنان در پاسداری از این میراث مقدس است.

گروهی از این بانوان حدیث غدیر را نقل کرده‌اند؛ که نام و روایتشان چنین است:

حضرت زهرا(س)

فرمایشات حضرت در بخش استدلال‌های اهل بیت (ع) گذشت .

ام سلمه

حضور زنان پیامبر، از جمله ام سلمه در مراسم غدیر، در کتب مختلف مورد تاکید قرار گرفته

است.^۱

ام سلمه یکی از دو زن پیامبر(ص) است که حدیث غدیر را روایت کرده است. او ماجرای غدیر را چنین باز می‌گوید: در غدیر خم رسول خدا(ص) دست علی(ع) را بالا برد، تا آنجا که سفیدی زیر بغلش را دیدیم، آنگاه فرمود: هر که من مولای او هستم پس علی مولای اوست.^۲

ام سلمه از معدود کسانی است که بعد از وفات نبی اکرم(ص) در خط ولایت امیرمؤمنان باقی

ماند. او به فرزندش چنین وصیت کرد. «پسرکم، همراهش [علی] باش. به خدا قسم، بعد از پیامبرت امامی

غیر او ندیدم»^۳ ام سلمه روایات دیگری نیز، در باره امیرمؤمنان، از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است.^۴

^۱ - معارج النبوة، ج ۲، ص ۳۱۸

^۲ - اخذ رسول الله(ص) بید علی بغدیر خم فرغها حتی رابنا بیاض ابیطیه فقال «من كنت مولاه فعلى مولاه» ثم قال «ایها الناس انى مخلف فيكم الثقليين كتاب الله و عترتي و لن يفترقا حتى بردا على الحوض». الغدير، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸

^۳ - «يا بنى الزمه فلا والله ما رايت بعد نبیک صلی الله علیه و آله اماما غیره»، اعلام النساء، ص ۶۵۱؛ بصائر الدرجات، ص ۱۸۳، ح ۴.

اسماء بنت عمیس

او به دلیل تقرب به اهل بیت روایات فراوانی نقل کرده است؛ تنها حدود شصت روایت از پیامبر اکرم (ص) دارد که بسیاری از آنها در منزلت امیرمؤمنان است.^۱ اسماء از سابقین در اسلام است و از جمله افرادی است که قبل از آنکه مردم در خانه ارقم ایمان بیاورند به همراه همسرش جعفر به خدمت پیامبر آمد و اسلام اختیار نمود و به همراه جعفر به حبشه مهاجرت کرد. وی همواره از محبان و ملازمان فاطمه زهرا (س) بود. او بعد از شهادت حضرت فاطمه (س) از جمله زنان علی (ع) شد. فرزندش محمد را چنان تربیت کرد که از مریدان و مخلصان امیرمؤمنان شد. زمانی که در حجةالوداع شرکت جست همسر ابوبکر بود. و محمد بن ابی بکر نیز در مسیر حجةالوداع متولد شد. ابن عقده در کتاب ولایت حدیث غدیر را از او روایت کرده است.^۲

ام هانی بنت ابی طالب (سلام الله علیهما)

۴ - اعلام النساء، ص ۶۳۴ نقل از امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۹۲
۱ - اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۸؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۴۵۵؛ خلاف طوسی، ج ۱، ص ۵
۲ - الغدیر، ج ۱، ص ۱۷

او فاخته نام دارد و خواهر امیرمؤمنان(ع) است. امهانی از راویان و اصحاب پیامبر اکرم بود پیامبر ضمن حدیثی او را «یکی از بهترین مردم» خواند. این بانوی گرانقدر احادیثی چون ثقلین و غدیر را از پیامبر اکرم(ص) روایت کرده است. او در باره واقعه غدیر می‌گوید:

رسول خدا(ص) از حج بازگشت، تا در غدیر خم فرود آمد، سپس برخاست و در گرمای سوزان چنین گفت: [ای مردم هر که من مولای او هستم، پس علی مولای اوست. خدایا، هر که او را دوست دارد، دوست‌بدار و هر که با او دشمنی کند، دشمن‌بدار، هر که او را زبون سازد، زبون گردان و هر که او را یاری کند، یاری کن].^۳

عایشه دختر ابی‌بکر

او در شمار زنان پیامبر اکرم و حاضران در حجة‌الوداع جای داشت. در کتب مختلف اهل سنت روایت غدیر از وی نقل شده است. ابن‌عقده در «حدیث ولایت» روایت او را نیز ذکر می‌کند.^۱

فاطمه دختر حمزه بن عبدالمطلب

او از صحابه مشهور پیامبر(ص) است و ابن‌عقده و منصور رازی حدیث غدیر را از وی نقل کرده‌اند.^۲

همسر زید بن ارقم

^۳ - «رجع رسول الله(ص) من حجة حتى نزل بغدير خم ثم قام خطيبا بالهجرة فقال: ايها الناس [من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و اخذل من خذله و انصر من نصره] ينابيع المودة، ص ۴۰؛ اعلام النساء، ص ۴۸۹

^۱ - الغدير، ج ۱، ص ۴۸

^۲ - الغدير، ج ۱، ص ۵۸

از جمله کسانی که حدیث غدیر را روایت کرده‌اند زید بن ارقم و نیز همسر وی می‌باشد علامه طباطبایی ضمن نام بردن از گروه کثیری که روایت (من کنت مولاة فعلى مولاة) را نقل کرده‌اند به ایشان نیز اشاره می‌کند.^۳

روایات زنان تابعی و ...

در میان روایات غدیر روایتی با ده سند به چشم می‌خورد که همه راویانش زن هستند. نام این

بانوان چنین است:

۱- الشیخة ام محمد زینب ابنة احمد بن عبدالرحیم المقدسیه.

۲- فاطمه دختر امام موسی بن جعفر(ع)

۳- زینب دختر امام موسی بن جعفر(ع)

۴- ام کلثوم دختر امام موسی بن جعفر(ع)

۵- فاطمه دختر جعفر بن محمد الصادق(ع)

۶- فاطمه دختر محمد بن علی(ع)

۷- فاطمه دختر علی بن الحسین(ع)

۸- فاطمه دختر حسین بن علی(ع)

۹- سکینه دختر حسین بن علی(ع)

۱۰- ام کلثوم دختر فاطمه زهرا(س)

^۳ - المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۵۹

این گروه از فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نقل کرده‌اند که حضرت فرمود:

آیا سخن رسول خدا (ص) در روز غدیر را فراموش کردید، که فرمود:

«هر که من مولای او هستم علی مولای اوست. و [آیا] گفتارش را [فراموش کردید که فرمود]:

[ای علی،] جایگاه تو در برابر من مانند جایگاه هارون در برابر موسی است.»^۱

۱۱- عایشه بنت سعد

عایشه بیشتر روایت‌هایش را از پدرش سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند و نزد ابن حجر از راویان موثق به شمار می‌رود. او روایت غدیر را، که ولایت علی (ع) را آشکار می‌سازد از زبان پدرش چنین بازگو می‌کند:

شنیدم پدرم که گفت:

رسول خدا (ص) در روز جحفه دست علی (ع) را گرفت، سپس خطبه خواند، خدای را سپاس

گفت، ستایش کرد و فرمود: ای مردم، من ولی شما هستم.

گفتند: راست گفتی، ای رسول خدا (ص).

سپس دست علی را گرفت و بالا برد و فرمود:

این جانشین من است و دین مرا ادا می‌کند. من دوست دار کسی هستم که او را دوست‌بدارد و

دشمن کسی هستم که با او دشمنی ورزد.^۱

۱۲- فاطمه بنت علی بن ابی طالب (ع)

^۱ «انسیتم قول رسول الله (ص) یوم غدیر خم، من كنت مولاة فعلی مولاة و قوله انت منی بمنزلة هارون من موسى علیهما السلام.» بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳

^۱ «سمعت ابی یقول: سمعت رسول الله (ص) یوم الجحفة فاخذ بید علی فخطب فحمد الله و اتى علیه ثم قال: ایها الناس انی ولیکم قالوا صدقت یا رسول الله ثم اخذ بید

علی فرقعها فقال: هذا ولیی و یؤدی عنی دینی و انا موالی من والاه و معادی من عاداه.» الغدیر، ج ۱، ص ۳۸ - ۴۱

او دختر علی بن ابی طالب (ع) است و مادرش ام ولد می باشد. «برقی» در رجال خود وی را از راویان امام حسن (ع) می داند و در «تهذیب الاحکام» از راویان امیر مؤمنان (ع)، ابی حنیفه، اسماء بنت عمیس شمرده شده است. حدیث منزلت و ردالشمس از جمله روایات اوست. وی حدیث غدیر را از ام سلمه نقل نموده است.

۱۳. و... ۲

^۲- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۵۴ - به نقل از ک « زنان راوی غدیر»، محمد عابدی، با تلخیص و تصرف

اگر حضرت خضر آب حیات نوشید و ماندگار ماند، ادبیات و فرهنگ مسلمانان نیز در سایه سار قرآن مجید و به راهنمایی خدا و رسولش از آب غدیر خم سیراب گشت و جاودانه شد. کمتر شاعری می توان یافت که دست کم جرعه ای از خم غدیر نوشیده، جان تشنه اش حلاوت حلالِ عشقِ علوی - این شرابِ طهور - را نچشیده باشد. نه تنها شعرای بزرگ عرب - از حسان بن ثابت و کمیت اسدی و دعبل خزاعی گرفته تا سید حیدر حلّی و بولس السلامه و ازری کبیر، که شاعران حقجو و حقیقت گو هم از هر نژاد و زبان به اصالت این برکه با برکت و به زلالی این چشمه جوشان شهادت داده اند.

در این میان شاعران پارسی گوی نیز به حقایق غدیر خم گواهی داده و گاه با سرودن چکامه های فاخر و بلند، و غدیریّه های غرّاً و رسا، گوی سبقت از همگان ربوده اند؛ چرا که ایرانیان مسلمان را از همان نخست به علی و آل پاکش گرایش دیگری و برتر، ارادتی فزونتر و بهتر بود و شاعران بزرگ و بیدار هم که همیشه زبان گویای ملت و مردم بوده اند مردمان مسلمان را به همین گرایش سفارش می کردند.

گفتنی است قرن به قرن در طول تاریخ اسلام شعرهایی توسط دانشمندان و شاعران بنام به زبان عربی سروده شده بود، که نیازی نیست در این مقاله به غدیریّه های عربی پرداخته شود؛ گستره این کار بسیار بیشتر از آن است که در این مجال اندک بگنجد، زیرا صدها قصیده بلند بویژه پس از انتشار «الغدیر» توسط ارادتمندان ساحت قدس علوی سروده شده و انتشار یافته است، تا آنجا که می توان گفت کمتر دانشمند و شاعری را می توان یافت که قصیده یا قصایدی در توصیف و یادکرد غدیر سروده باشد؛ حتی آنان که هیچگاه به شاعری شناخته نشده بودند و کسی از آنان بیت شعری نشنیده بود، غدیریّه

هایی سروده اند؛ شاعرانی که در میانشان از مرجع تقلید و فقیه و حکیم و عارف گرفته تا خطیب و ادیب و نویسندگان و شاعران پرآوازه هم دیده می شود و گردآوری این همه خود گروهی از ادیبان و شاعران را می طلبد تا کاری خوب و جذاب ارائه دهند ولی ما فقط به این مقدار اکتفا می کنیم تا باشد بعضی ها بدانند غدیر خم دارای چه منزلتی است که هیچ شاعر واقعی و هنرمند از کنار آن به سادگی رد نشده است.

در قسمتی از این بخش نام شعرای مشهور و بنام را همراه با قسمتی از شعرهایی که مربوط به غدیر می باشد را می آوریم و در قسمتی دیگر فقط نام شعرا را معرفی می کنیم تا علاقمندان خود به دیوان این شعرا مراجعه نمایند. چرا که آوردن تمام شعرهای شعرا در این گزیده اصلاً امکان نداشته و موجب اطاله کلام می گردد.

ضمناً در این بخش، بعثت حفظ نظم، منابع بصورت شماره گذاری شده در آخرین قسمت شعر ذکر شده و از درج آن در زیر صفحات خودداری شده است.

مولوی در دفتر ششم مثنوی به تفسیر حدیث من كنت مولاه فعلى مولاه می پردازد و می گوید:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود و آن علی مولانا نهاد

گفت هر کس را منم مولا و دوست ابن عمّ من علی مولای اوست

کیست مولا آن که آزادت کند بند رقیّت ز پایت بر کند

چون به آزادی نبوت هادی است مؤمنان را ز انبیا آزادی است

همچو سرو و سوسن آزادی کنید

ای گروه مؤمنان شادی کنید

«۱»

مرحوم قاضی نور الله شوشتری از کتاب «خلاصه المناقب» مولانا نورالدین جعفر بدخشی قصیده

ای از قصاید سعدی را نقل می کند که در ضمن آن سعدی گوید:

به آن روزی که وحی آمد نبی را که از پالان اشتر ساخت منبر

که بعد از مصطفی در کلّ عالم نَبْدُ فاضلتر و بهتر ز حیدر

پس از احمد امام حق علی دان که بود او نفس معصوم مطهر» (۲)

پس از سعدی به شاعر عارف، حافظ شیرازی (م ۷۹۲ق) می رسیم و می بینیم که لسان الغیب نیز

همین نوا را می نوازد و در قصیده نخست که دیباچه دیوان نیز به حساب می آید چنین گوید:

...نوشته بر در فردوس کاتبان قضا نبی رسول و ولی عهد حیدر کرّار

امام جنّی و انسی علی بود که علی ز کل خلق فزونست از صغار و کبار

علی امام و علی ایمن و علی ایمان علی امین و علی سرور و علی سردار...

علی ز بعد محمّد ز هر که هست به است اگر تو مؤمن پاکی بکن بر این اقرار...

به حقّ دین محمّد بخون پاک حسین به حقّ مردم نیک از مهاجر و انصار

که نیست دین هدی را به قول پاک رسول امام، غیر علی بعد احمد مختار» (۳)

دقیقی طوسی، ابو منصور محمّد بن احمد (م ۳۴۱هـ):

کیوس وار بگیرد همی به چشم آلوس بسان فرّخ شهبامیر روز غدیر» (۴)

پر واضح است که مراد از «امیر روز غدیر» امیرمؤمنان علی(ع) است و تا آنجا که ما تفحص کردیم توان گفت که این بیت دقیقی، قدیمترین شعری است که با صراحت تمام از روز غدیر سخن گفته است.

ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ق):

شرف مرد به هنگام پدید آید از او	چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر
بر سر خلق مر او را چو وصی کرد نبی	این، به اندوه در افتاد از او، آن به زحیر
حسد آمد همگان را ز چنان کار از او	برمیدند و رمیده شود از شیر، حمیر
او سزاید که وصی بود نبی را در خلق	که برادرش بُد و بن عم و داماد و وزیر

فرید الدین عطار نیشابوری (۵۱۳-۵۸۶ق):

رونقی کان دین پیغمبر گرفت	از امیرمؤمنان حیدر گرفت
قلب قرآن، قلب پر قرآن اوست	«وال من والاه» اندر شأن اوست «۵»

مولانا لطف الله نیشابوری (م ۸۱۰ق):

بنازد عقل و جان و دل، به مهر سرور غالب	امیرالمؤمنین حیدر، علی بن ابی طالب
نبی اندر مقام «انت منی» مادحش بوده	چنانک اندر خطاب «انما» بودش خدا خاطب
اگر قرآن بُود بر حق به قول حق امامت را	حواله با که کرد احمد بدان مجمع که بُد ذاهب
بیا ای آن که می گویی که با ایمان و اسلامم	تفکر کن در این معنا، تائی کن در این

موجب « ٦ »

پیداست که مقصود شاعر از آن مجمعی که پیامبر اسلام (ص) از رحلت خود خبر داده و امامت را در آن مجمع به امام علی (ع) حواله کرده است، غدیر خم است و همین موجب آن است که امام و رهبر پس از پیامبر (ص) علی (ع) باشد و نه غیر.

۵- مولانا کاشی، محمد حسن افضل المتکلمین (ق ۸هـ):

السلام ای سایه ات خورشید ربّ العالمین آسمان عزّ تمکین، آفتاب داد و دین

بیت بالا مطلع بند اول از ترکیب بند بلندی است که افضل المتکلمین کاشی در امامت و ولایت

امیر غدیر انشا کرده است و در بیت چهارم همین بند می گوید:

مقصد تنزیلِ «بَلِّغْ»، مرکز اسرار غیب مقطع «یتلوه شاهد»، مطلع «حبل المتین»

پر واضح و عیان است که مراد مولانا کاشی از «مقصد تنزیل بلِّغ» آیه شریفه یا ایها الرسول بلِّغ ما انزل الیک... (مائده، ۶۷) است.

مرحوم قاضی نورالله شوشتری در مقدمه کتابش «مجالس المؤمنین» قطعه ای از یک غدیریّه را

نقل می کند و به نام شاعرش اشارتی نمی کند. از آنجا که قاضی نورالله در سال ۱۰۱۹ق. به شهادت

رسیده است این غدیریّه باید از آثار سده دهم - یازدهم یا پیش از آن باشد که در اینجا نقل می شود:

رو از برای سر خویش تاج زرین ساز ز خاک پای جوانمرد «وال من والاه»

ز دل عداوت او دور دار تا نخوری ز تیغ لفظ نبی زخم «عاد من عاداه»

گواه پاکی اصلت ولای شاهی دان

که بر کمال معالیش «هل اتی» ست گواه «۷»

فیاض لاهیجی (م ۱۰۷۲ق):

در قصیده بلندی که در مدح امام علی (ع) به مطلع زیر سروده است:

سزای امامت به صورت، به معنی علی ولی آن که شاهست و مولی

پس از هفتاد بیت می رسد به آنجا که می گوید:

به تنزیل شد «هل اتی» از چه مُنزَلِ نبی را زِ «بَلغ» چرا کرد عتبی

و پیداست که مرادش از «بَلغ» آیه تبلیغ ولایت است که در غدیر خم نازل شد.

نظیری نیشابوری (م ۱۰۸۳ق):

فراز منبر یوم الغدیر، این رمزیست که سر زحیب محمد، علی برآورده

حدیث «لحمک لحمی» بیان این معنی

که بر لسان مبارک پیمبر آورده

ست

خدای از آدمشان تا به آل عبد مناف به صلب پاک و به بطن مطهر آورده

نهاده وقت ولادت به خاک کعبه جبین نیاز و بندگی از بطن مادر آورده

هزار شاهد صادق به مجمع اسلام به دعوی «انا صدیق اکبر» آورده «۸»

محمد رفیع لامع (متولد ۱۰۷۶- ق؟):

محمد رفیع بن عبدالکریم درمیانی، متخلص به «لامع» اشعار بسیاری در مدح حضرت امیر(ع) دارد که در ضمن یکی از آنها گوید:

«من کنت مولاه» از نبی در شأن او شد منجلی مولاى انس و جان علی، قسام نیران و جنان «۹»

میر شمس الدین فقیر دهلوی (۱۱۱۵-۱۱۸۳ق):

آن وارث ملک لایزالی شاهنشاه دین، علیّ عالی

وآن دین خدا به او مکمل

آن مجمل شرع از او مفصل

«۱۰»

لطفعلی بیک آذر بیگدلی (۱۱۳۴-۱۱۹۵ق):

شنیدم به فرمان حیّ قدیر علی را پیمبر به روز غدیر

به بالای سر برد و با خلق گفت که تا چند از این راز باید نهفت

از آنان که دارندم آیین و کیش شمارد مرا هر که مولای خویش

پس از من بداند که مولا علیست ز هرکس به مولایی اولی علیست

بود بس صحیح این خبر پیش من تو گفتی که بودم در آن انجمن «۱۱»

سید محمد حسین شهریار (۱۲۸۳-۱۳۶۷ش):

شهریار ملک شعر و سخن در اینجا یکی از «مناشده ها» و احتجاجهای امام علی (ع) را به روایت می نشیند و می گوید:

نه با آن خطبه «من کنت مولاه» علی را بُرد بر اعلا و اعلن؟

نه خود فریادِ «بِخاً بخ» کشیدید من اینها شور خوانم یا که شیون؟

چه شد عهد خدا بر من شکستید الا ای حاسدان عهد بشکن «۱۲»

شهریار تبریزی به هر دو زبان فارسی و ترکی دلسروده های بسیاری درباره غدیر خم دارد .

وصال شیرازی (۱۱۹۷-۱۲۶۲ق):

وصال شیرازی در نزدیک به بیست مورد از غدیر خم یاد کرده و غدیریه های بلند و بالایی سروده است

که نقل همه در مجال این مقال نمی گنجد. «۱۳»

شمس الشعراء میرزا محمد علی سروش اصفهانی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ق):

از سروش اصفهانی آثار زیادی در مدح و مناقب و مرثی اهل بیت (ع) به یادگار مانده است؛ مثل: «زینة

المدایح»، «روضه الاسرار» (مانند «زبدة الاسرار» صفی و «گنجینه الاسرار» عمان سامانی) و دیوان اشعار

که چاپ شده است. سروش اصفهانی در دهها مورد از غدیر خم یاد کرده است که مجال آوردن تمام آنها

نیست.

صغیر اصفهانی (۱۳۱۲-۱۳۹۰ق):

مرحوم صغیر در حدود پانزده غدیریّه سروده است که می توان در دیوانش (در صفحات ۳۴، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۵۷، ۶۸، ۸۳، ۸۵، ۸۸، ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۱ و ۴۵۶ و...) دید.

آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱ق):

البته غدیر واره های علامه غروی، مختصر نیست بلکه ایشان هم در دیوان فارسی و نیز در دیوان عربی خویش «الانوار القدسیّه» بارها بار از غدیر گفته و غدیریّه ها سروده است.

با جرأت می توان گفت که در چهارده قرن گذشته شاعران پارسی گوی بیش از صد غدیریّه و غدیرواره از خود به یادگار گذاشته اند و اگر تفحص کنیم خواهیم دید که تنها در پنجاه سال اخیر صدها قصیده و غزل و قطعه و... درباره غدیر خم انتشار یافته است، اینک فقط به نام دهها شاعر دیگری که در این ارتباط شعر سروده اند اکتفا می کنیم و از آوردن تمام شعرها اجتناب می کنیم چرا که نیاز به کتاب قطور است و ما در تحقیق مجمل جای آن نیافتیم.

قآنی شیرازی (۱۲۲۲-۱۲۷۰ق):

وامق یزدی، میرزا محمد علی (م۱۲۵۵ق):

حسین علی منشی کاشانی (۱۲۷۱ق - ۱۳۴۹ش) در ترکیب بند مربع خویش.

نسیم شمال، سید اشرف الدین گیلانی (۱۲۸۸-۱۳۱۳ق) در دیوانش.

آشفته شیرازی، کاظم (م۱۲۸۷ق) در دیوانش (ص ۳۸۸ و ۱۵۲).

میرزا حبیب الله خراسانی (۱۲۶۶-۱۳۲۷ق):

ادیب الممالک فراهانی (۱۲۷۷-۱۳۳۶ق):

ملک الشعرای بهار، محمد تقی (۱۲۶۶-۱۳۳۰ش):

فرصت شیرازی (۱۲۷۱-۱۳۳۸ق) در «آینه آفتاب»، ص ۲۰۵-۲۰۷.

الهی قمشه ای، همانجا، ص ۳۰.

حسین پژمان بختیاری، همانجا، ص ۶۶.

یحیی مدرس اصفهانی، در دیوانش؛ ص ۱۶-۱۹.

محیط قمی، در دیوانش، ص ۶۶-۶۹.

عمّان سامانی، در «گنجینه الاسرار»، ص ۷۹-۸۳.

حُجّه الاسلام نیر (م ۱۳۱۲ق) در دیوانش موسوم به «آتشکده نیر»، ص ۲۲۵.

ایرج میرزا (۱۲۹۱-۱۳۴۴ق)، در «دائرة المعارف تشیع»، ج ۲، ص ۶۳۹.

طیب اصفهانی، در دیوانش، ص ۱۲۸.

ذکایی بیضایی، نعمت الله، در «گنجینه عرفان»، ص ۴۸۱، و در «آینه آفتاب»، ص ۱۳۶.

سید محمد علی حیرت کازرونی، در «گنجینه عرفان»، ص ۲۰۴-۲۰۷.

علی اکبر پیروی، همانجا، ص ۴۳۴.

سرهنگ شهنازی، همانجا، ص ۵۳۶.

درویش ظفر علی سمنانی، «فانی»، همانجا، ص ۶۸۰ و ۶۸۱.

قاسم رسا، در کتاب «حساس ترین فراز تاریخ»، صفحه اوّل دیباچه، و ص ۹۰.

شیخ رئیس قاجار، در «منتخب النفیس (دیوان)»، ص ۶۲-۶۶ و در «جهشها»، ص ۱۱۲.

اسماعیل نجومیان، در «دیوان نجومی خراسانی»، ص ۷۴، ۷۹، ۸۱.

طرب بن همای شیرازی، در دیوانش، ص ۷۲، ۷۳، ۲۲۶ و ... ایشان بیش از ده غدیریه دارد.

حالی اردبیلی میرزا محسن (م ۱۳۳۷ق)، در «گنجینه عرفان»، ص ۱۲۲.

حسان چایچیان، در «ای اشکها بریزید»، ص ۵۴، ۵۵-۵۶، ۴۵، ۴۳، ۵۲-۵۳ و در «خلوتگه

راز» ۸۱ _____ ۸۲ و ۸۸ و

امینی تبریزی، سلیمان فرزند ملا جواد امین العلماء، در دیوانش، ص ۱۳۲، ۱۷۵.

صادق سرمد (م ۱۳۳۹ش) در کتاب «مناقب علوی»، ص ۱۰۸—۱۰۹.

مکرّم اصفهانی، محمد علی (۱۰۳۴ق - ۱۳۴۴ش) در کتاب «غدیر در شعر فارسی»، ص ۱۴.

سید محمد حسین میرجهانی (متولّد ۱۳۱۹ق) همانجا، ص ۵۱.

اسماعیل نوری علاء، ص، همانجا، ص ۱۴۱.

یوسف فعلی میرشکاک، همانجا، ص ۱۶۰.

سید مصطفی موسوی گرمارودی (گردآورنده کتاب «غدیر در شعر فارسی»)، همانجا، ص ۱۷۸.

محمد امینی نجفی (متولّد ۱۳۴۱ش) فرزند علامه امینی تبریزی در «چکامه کوثریه»، ص ۴۸-۵۲.

سید محمد نوری موسوی (متولّد ۱۳۴۸ق)، همانجا، ص ۵۵—۵۷.

سید حسین میرزای قمی (متولّد ۱۳۰۵ش)، همانجا، ص ۵۹—۶۱.

فؤاد کرمانی (۱۲۷۰—۱۳۴۰ق) در دیوانش «شمع جمع»، ص ۸۷، ۱۶۰ و

محمد علامه، در دیوانش موسوم به «هدیه مور»، ص ۳۹، ۴۰ و

علامه حائری مازندرانی، نویسنده «حکمت بوعلی سینا» و دهها اثر دیگر در دیوان «بستان

الادب»، ص ۱۱، ۴۱ و

محمد علی مجاهدی (پروانه) در مجموعه شعری از ایشان موسوم به «سیری در ملکوت»،

ص ۸۸ _____ ۹۰ و

محمد علی ناصح، در «آینه آفتاب»، ص ۲۹۸.

جعفر نوابخش، همانجا، ص ۴۰۲.

- حسین مظلوم، مستخلص به «کحافر»، همانجا، ص ۳۷۵.
- شهرآشوب، محمود ثنائی، همانجا، ص ۳۶۲.
- ذکاء الملک میرزا فروغی، همانجا، ص ۳۳۱.
- میرزا علی لعلی تبریزی، شمس الحکما (۱۲۵۲—۱۳۲۵ق)، همانجا، ص ۳۰۹.
- سید رضا حسینی، معروف به «سعدی زمان»، در «نجوم درخشان»، ج ۱، ص ۴۸.
- نعمت آرم، در کتاب «حماسه غم‌دیر»، ص ۵۶۱.
- امیری فیروزکوهی، سید کریم، همانجا، ص ۵۷۱—۵۷۲.
- محمد عابدی خیابانی، همانجا، ص ۵۸۶—۵۸۷.
- محمد رضا حکیمی، همانجا، ص ۵۹۶—۶۰۲.
- سید علی موسوی گرم‌ارودی، همانجا، ص ۵۹۰—۵۹۵.
- کمال معتضدی، در کتاب «سروده‌هایی بر مولا علی (ع)» ۹۶، ص ۳۶—۳۸.
- حسن غفرانیان، همانجا، ص ۱۱۰—۱۱۱.
- عبدالعلی باقی، در «گنجینه عرفان»، ص ۵۱۱—۵۱۲.
- محمد علی انصاری قمی، همانجا، ص ۵۲۱—۵۳۱.
- حسین نیکو و همّت، همانجا، ص ۵۳۰—۵۳۱.
- محمد علی مردانی، همانجا، ص ۵۴۱—۵۴۳.
- آخوند ملا علی فنا، همانجا، ص ۵۹۴.
- قدوسی تبریزی، همانجا، ص ۶۴۵.
- ظفر علی سمنانی، همانجا، ص ۶۸۰.

منظور و هدف ما از آوردن این همه شعر و نام شعرای معرف در قرنهای مختلف، چیزی نیست جز اثبات مقام و منزلت امیرالمومنین علی (ع) که ای خلاق و ای دشمنان بی‌خرد و ای دوستان نادان که ولایت علی ابن‌ابی‌طالب را قبول ندارید، بدانید این علی (ع) است که همگان بر ولی و وصی بودن ایشان احتجاج‌ها کردند و شعرها سرودند و کجا می‌توانید واقعه‌ای با این همه مضامین و با این همه شکر و سپاس و قدردانی از طرف مسلمانان پیدا نمائید؟

منابع شعرهای ذکر شده :

- ۱) مثنوی معنوی، نسخه نیکلسون، ج ۳، ص ۵۳۵؛ تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۱۴، ص ۵۱۹
- ۲) مجالس المؤمنین، نورالله شوشتری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۴ش، ج ۲، ص ۱۱۸
- ۳) همان: نسخه قدسی، ص ۲۳—۲۴؛ چاپ علمی، بخش قصاید، قصیده اول.
- ۴) دیوان دقیقی طوسی، به اهتمام محمد جواد شریعت، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸ش، ص ۱۰۳ و ۱۰۲
- ۵) آینه آفتاب، گردآورندگان: محمود شاهرخی - مشفق کاشانی، چاپ دوم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۶۹
- ۶) مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۶۶۴
- ۷) همان، ج ۱، ص ۳. نثاری تونی نیز از شاعران شیعی در قرن دهم است که با اشاره به غدیر خم گوید:
- ۸) دیوان نظیری نیشابوری، ص ۴۹۱—۴۹۴، بنا به نقل استاد محمد رضا حکیمی در کتاب جهشها، ص ۱۱۰—۱۱۱
- ۹) دیوان لامع، به کوشش محمد رفیعی - مظاهر مصفا، ۱۳۶۵ش، ص ۴۶—۴۸

۱۰) گنجینه عرفان، حسین قربانی، چاپ سوم، تهران، مهرآئین، ۱۳۷۴ش، ص ۴۸

۱۱). دیوان آذر، تصحیح سادات ناصری - غلامحسین بیگدلی، چاپخانه علمی جاویدان، ۱۳۶۶ش،

ص ۴۱۴ _____ ۴۱۶

۱۲) کلیات دیوان شهریار، چاپ هفتم، انتشارات زرین، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۱۱۴۷

۱۳) رجوع شود به: دیوان وصال شیرازی، ص ۳۳، ۵۲، ۱۵۶، ۱۹۰، ۳۴۹، ۳۷۵ و...^۱

منزلت هفتم

ویژگی های غدیر خم

با بررسی سندیت غدیر خم از طرف شیعه و سنی و ذکر آن در منابع روایی و قرآنی، خصوصاً مفسران زبده قران کریم و روشهایی که اهل بیت عصمت و طهارت (ع) برای استدلال به این واقعه ارائه نمودند و در نهران و آشکار و در سخنرانی‌ها و خطبه‌های عمومی و پاسخهای انفرادی، همه جا تلاش می‌کردند تا حماسه غدیر را بشناسانند و اهداف غدیر خم را به رخ بکشند و آنرا جاودانه سازند و برای اتمام حجت، پیام غدیر خم را بکار بگیرند، همچنین روایت اصحاب خاص پیامبر(ص) که اعم از دوست و دشمن بودند و شعرا و زنان راوی حدیث غدیر که از جان و دل شعر سروده‌اند و روایت را نسل به نسل و قرن به قرن تا کنون انتقال داده‌اند تا اینکه به نسل ما برسد، — همه این موارد بطور خلاصه در بخشهای سابق گذشت — هر خواننده‌ای را به فکر فرو می‌برد که از خود پرسد: غدیر خم چه ویژگی‌هایی دارد؟ اهداف غدیر خم چیست؟ بار تبلیغاتی آن چگونه است؟ و.... در این بخش قصد داریم تا به تعدادی از ویژگی‌های این عید فرخنده اشاره نمائیم:

^۱ - برگرفته از مقاله «غدیر در شعر فارسی از کسایی تا شهریار - محمد صحتی سردودی»، با تلخیص و اضافات

۱- اعلام امامت در اجتماع بی مثل

یکی از ویژگی‌هایی عید غدیر اعلام امامت حضرت امیرالمومنین در اجتماعی بی‌مانند بود که نه در گذشته چنان جمعیتی با جاذبه‌های معنوی گرد آمدند و نه در آینده چنان اجتماع باشکوهی تحقق خواهد یافت.

در اینجا به برخی از جوانب شکوهمند آن اجتماع بی‌همانند اشاره می‌شود:

الف) اجتماعی از سراسر بلاد اسلامی :

مردمی که در غدیر خم گرد آمدند و با امام منصوب از طرف خداوند بزرگ بیعت کردند، مردم یک شهر و قبیله و یک منطقه و ناحیه نبودند، از یک نژاد و قومی گرد نیامده بودند بلکه از سراسر بلاد اسلامی با شنیدن خبر شرکت پیامبر (ص) در مراسم حج، بسوی کعبه و پیامبر (ص) شتافتند. از شرق و غرب، از شمال و جنوب، از قومیت‌ها و ملیت‌های متفاوت، از سیاه و سفید، از سرمایه‌داران و نیازمندان، از زورمداران و ناتوان‌ها از بی‌سواد و باسواد از مهاجر و انصار، زن و مرد، پیر و جوان و بالاخره از همه‌جا؛ از همه شهرها و روستاها و بلاد اسلامی (نه فقط مردم مکه و مدینه)، برای مراسم حج گرد هم آمدند و مهمتر از همه اینکه همه آنها در غدیر خم درنگ کردند و پیام الهی را در ولایت و امامت پس از پیامبر (ص) را شنیدند. و با امام خود بیعت کردند، که چنین اجتماعی دیگر هرگز پدید نیامد.

ب) جاذبه‌های معنوی حاضران در غدیر

گردهم آیی حاجیان ۱۲۰ هزار نفری در غدیر خم تنها یک اجتماع نظامی یا سیاسی نبود بلکه جاذبه معنوی داشت. همه احرام پوشیده و مراسم حج را به جا آورده و در عرفات و منی دل را شکسته و

در طواف و سعی سبکبار شده بودند. دارای حالت معنوی بودند و از روحی پرنشاط برخوردار و با حالت پذیرش و تسلیم به سخنان پیامبرشان گوش فرا دادند. در چنین جمع معنوی بود که امامت امیرالمومنین (ع) اعلام گردید.

ج) انگیزه گردهم آیی در محل غدیر خم

پس از اعمال حج همه در حال بازگشت بودند که در سرزمین غدیر خم آن اجتماع عظیم حاجیان پراکنده می‌شد. مصری‌ها، عراقی‌ها، یمنی‌ها، مدنی‌ها هر کدام به راه خود می‌رفتند که پیک وحی رسید و فرمان ابلاغ امامت را آورد و رسول خدا (ص) فرمان داد تا جمعیت باز ایستند. آنها که جلوتر رفته بودند بازگشتند و آنان که هنوز نیامده‌اند به جمعیت ملحق شوند. اجتماع حاجیان در آن روز انگیزه‌های مادی یا تنها سیاسی و نظامی نداشت بلکه بر اساس فرمان الهی و دستور پیامبر اکرم (ص) شکل گرفت تا امامت علی (ع) و ولایت اهل بیت (ع) تحقق یابد. کجاست کسی که با این مقام و منزلت به مسئولیتی منصوب شود آن هم مسئولیت امامت. کجایند آنهایی که به شورای شش نفره دل بسته بوده‌اند و با شش نفر به خلافت رسیدند کجاست خلفایی که نامشان را در اذان‌ها بگویند و به خود و به امت خود فخر کنند که منم امام المسلمین. آیا کس هست که نامی به غیر از علی ابن ابیطالب امیرالمومنین علی (ع) را به زبان آورد؟

۲- فراوانی و انبوه حاضران:

انبوه جمعیت حاجیان در روز غدیر خم که از سراسر بلاد اسلامی گرد آمده بودند یکی دیگر از ویژگی‌ها و منزلت‌های واقعه غدیر است و تعداد جمعیت را ۹۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر نقل کرده‌اند. که به

هنگام بازگشت به شهر و دیار خویش در روز ۱۸ ذی الحجه الحرام، در منطقه غدیر خم به فرمان الهی گرد آمده و پس از شنیدن پیام رسول خدا (ص) با امیرالمومنین علی (ع) بیعت کردند. که این بیعت مردم در روز غدیر را بسیاری از مورخان و مفسران مشهور اعتراف کرده‌اند که ما در بخش‌های قبلی آنها را ذکر کرده‌ایم.

۳- تحقق بیعت عمومی و همگانی

رسول گرامی اسلام (ص) از آغازین لحظه‌های بعثت و دعوت علنی مردم به اسلام ولایت و رهبری حضرت امیرالمومنین علی (ع) را مطرح و تا آخرین لحظه‌های عمر بابرکتش (ماجرای حدیث قلم و دوات) این حقیقت را به روشنی بیان فرموده و تذکر داد.

فقط به اعلان و اظهار عقیده و سفارش و وصیت اکتفاء نفرموده بلکه در انتظار اوامر الهی بود تا افکار عمومی مسلمین جهان را بیدار کند و آراء مسلمین را در پذیرش امامت و ولایت اهل بیت (ع) هماهنگ نماید که سرانجام در یک فراندوم عمومی و اجتماعی بی‌مانند از همه اقشار مسلمین بیعت با امام علی بن ابیطالب تحقق پذیرد و در آرزوی پیک وحی لحظه شماری می‌کرد که جبرائیل در غدیر خم فرمان الهی را ابلاغ فرمود. که از نظر اصول دموکراسی و شیوه‌های انسانی انتخابات، در جهان گذشته تاکنون بی‌نظیر می‌باشد زیرا: رهبران دنیا یا با کودتا قدرت را بدست می‌گیرند. و یا با روشهای دروغین مردم را اغفال می‌کنند و یا هرگز به آراء عمومی مردم توجهی نداشته و ندارند.

در سقیفه، ابابکر با ۲۱ رأی ناگهان به خلافت می‌رسد و خود نیز بارها اعتراف کرد که: خلافت من «فلته» ناگهانی بود. و دومی در گرفتن قدرت کاری به آراء و افکار عمومی نداشت، نه شورایی مطرح

بود و نه انتخاباتی، نه مراجعه به افکار عمومی مسلمین وجود داشت و نه حتی مراجعه به آراء مهاجرین و انصار موجود در شهر مدینه . تنها می گفتند با وصیت ابابکر عمر به خلافت رسید!!.

و سومی نیز در یک شورای شش نفره که داماد عمر حق ابطال یا قبول آراء موجود را داشت «حق و تو» خلافت را بدست گرفت. حال آنکه غدیر خم تحقق یک حماسه بی همانند در انتخاب رهبری بود. زیرا از طرفی نصب الهی دخالت داشت و پیام رسول خدا (ص) روشنگر راه انتخاب کنندگان بود. و از طرفی ۱۲۰ هزار شرکت کننده از یک شهر و قبیله نبودند بلکه از سراسر بلاد اسلامی و به همه اقشار انسانی تعلق داشتند که به امر پیامبر (ص) با علی (ع) بیعت کردند.

۴- کیفیت والای واقعه غدیر

پس از انجام مراسم معنوی حج

در میان انبوه مسلمین سراسر بلاد اسلامی

در گذرگاه غدیر

به هنگام پراکنده شدن حجاج یمنی و مصری و عراقی و شامی و مدنی

با دستور رسول خدا (ص) و فرمان از طرف خداوند

در حضور پیامبر و با نظارت پیک وحی

در آخرین سفر حج پیامبر(ص)

آخرین دستورالعمل های سرنوشت ساز وحی الهی

بدون هرگونه ابهام و اشاره و کنایه

در روز روشن و بدون برگزاری در پشت درب های بسته یا باغ اهل سقیفه!

با اطلاع عمومی و رسمی نه کودتا و انحراف افکار عمومی

با آگاهی دادن به مردم و با ایراد خطبه‌ای گویا که همگان را به احکام الهی و دستورات دینی آشکار ساخت و زحمات و کوشش‌های رسالت را بیان فرمود و خیرخواهی خود را نسبت به امت اسلامی تذکر داده و با بیعت تمام ۱۲۰ هزار نفر حجاج حاضر در غدیر خم، در طول ۳ شبانه روز

و... این واقعه با این کیفیت اتفاق افتاد.

۵- صراحت در گفتار

در روز غدیر خم در آن قیامت عظمی، پیامبر(ص) فرمود: اکنون جبرائیل بر من نازل شد تا پیام الهی را به همگان ابلاغ کنم. بگوئید تا رفتگان باز گردندو... .

پس از اجتماع صد و بیست هزار نفر حاجی در آن هوای گرم، بر روی جهاز شتران بالا رفت و پس از حمد و سپاس پروردگار و تذکر دادن نعمت‌های فراوان الهی و یادآوری زحمات و رنج بزرگ دوران رسالت و اتمام حجت با انبوه مسلمانان سراسر بلاد اسلامی به تشریح و تبیین پیام الهی در امامت علی بن ابیطالب و فرزندان او تا قیام قیامت پرداخت با کلماتی گویا و رسا، فصیح و بلیغ، روشن و آشکار، بی‌استعاره و اشاره، با زبانی قابل فهم عموم مردم حاضر در صحنه، بی‌ترس و هراس و بدون شک و تردید که پس از آن خطبه گویا و بیان جاودانه و رسا، هیچکس در راه هدایت و انتخاب امام برحق تردیدی نداشت.

پیامبر در آن خطبه طولانی خود به:

اعلان نزول پیک وحی، برای معرفی امامت

اعلام علت صبر نمودن برای بیعت گرفتن به علی (ع) تاکنون

اعلام ولایت عمومی و جهانی امیرالمومنین(ع)

پرداخته و لیاقتها و ویژگی های علی (ع) ، از جمله علم و دانش برتر امام، قدرت هدایتگری انسانها، حق گرائی، باطل ستیزی، شجاعت در را خدا، اولین مسلمان، اولین ایمان آورنده به خدا و پیامبر(ص)، فداکاری، جانشین بحق، ولی و وصی بودن، رهبر هدایتگر، خداگرایی و جهادگری علی (ع) و سایر مواردی که پیامبر بزرگوار اسلام لیاقت و ویژگی امام(ع) را در همین خطبه طولانی یادآور شدند.

همچنین

تکمیل دین با ولایت علی(ع)

افشای چهره واقعی دشمنان علی (ع)

هشدار از قدرت طلبان که منتظر فرصت بودند تا بعد از رحلت پیامبر(ص) پیمان خود را شکسته و مردم را به جاهلیت برگردانند.

مسئولیت همگانی برای تبلیغ این واقعه مهم.

دعا و درخواست از خدا و نیایش با پروردگار

فرمان بیعت عمومی برای تمام حاضرین و... از دیگر مواردی بود که پیامبر(ص) به آن اشاره فرمودند.

که ما از آوردن تمام خطبه خودداری می کنیم و علاقمندان را دعوت می کنیم تا جهت مطالعه بیشتر به کتب معتبر از جمله «الغدیر» مراجعه نمایند.

۶- گواهی حاضران در صحنه غدیر

مسلمانان جهان از سراسر بلاد اسلامی از دور و نزدیک در حجه الوداع حضور داشتند و دیدند و شنیدند آنچه را که باید می دیدند و می شنیدند و پس از اتمام بیعت عمومی و برگشتن تمام حاجیان به

شهرها و بلاد خود، وظیفه داشتند تا این واقعه را به تمام اهل دیار خود برسانند و البته چنین هم شد و این حماسه برای همیشه در دلها و تاریخ مسلمین ثبت گردید. که از آن میان ۱۴۶ نفر از اصحاب و یاران پیامبر گرامی اسلام گواهی آنان در کتب تاریخ ثبت شده است. که البته فقط این تعداد در کتب مختلف نامشان ثبت شده و هزاران نفر از اصحاب رسول خدا (ص) از مهاجر انصار بودند که گواهی آنان در کتب مدون فریقین نیامده است که تا زنده بودند از گواهان حدیث غدیر به شمار می آمدند. و تعدادی کثیری هم بودند که این واقعه را فقط خود حفظ کرده و آنرا انتشار ندادند حال چه به عمد و چه بعلم مختلف از جمله اینکه تعداد زیاد روایت کنندگان و احساس اینکه به روایت وی نیازی نیست و از این اقسام دلایل.

۷- راویان و مفسران فراوان حدیث غدیر

تعداد راویان این واقعه که از قرن اول تاکنون ۵۵۷ نفر و در بعضی منابع ۵۱۴ نفر^۱ و... می باشند در حقیقت به مهمترین و اصلی ترین ویژگی و منزلت عید غدیر خم دلالت دارد که در بخشهای پیشین در این ارتباط بحثهای مفصلی شد و نام تعدادی از راویان را در آنجا ذکر نمودیم.

آری این غدیر است با این ویژگی های منحصر بفرد که در هیچ یک از وقایع بیست و چند ساله پیامبر (ص) از آغاز دوران بعثت تا آن زمان وجود نداشت.

آری غدیر نمایشگر اتحاد و پیوند رسالت به امامت، و نبوت به ولایت است، و حکایت از آن می کند که همچون دو پستانی هستند که برای اشراب و ارضاع طفل شیرخوار، پیوسته ملازم و مقارن و رفیق یکدیگرند، و یا همچون دو نهالی که از یک ریشه و بن روئیده شده و بهم پیوسته اند.

^۱ - حماسه غدیر، محمد دشتی، ص ۶۱

غدیر نمایشگاه «علی منی» و «انا منه» در برابر دیدگان جمیع خلائق و همگی امت، و اعلان و اعلام این واقعیت به جهانیان تا روز بازپسین است.

غدیر محل ظهور حقائق مخفیه، و بواطن مخفیه، و ارشاد و هدایت مردمان به این راه است.

غدیر صراط مستقیم و شاهره اعلای انسانیت به مقام عرفان و ولایت کلیه حق است.

غدیر مقام قالب گیری قضاء کلیه الهیه به عالم قدر، و اندازه گیری و تعیین و تشخیص و معرفی نور نامحدود حضرت احدیت در اسماء و صفات مرئی و مشاهد خلق، و ربط قدیم و حادث، و نزول تجرد و بساطت در قیود و حدود امکانیه، برای دسترسی همه خلائق و استفاده از ماء معین و آبشخوار فیض و رحمت و سعادت و برکت است.

غدیر روز تاجگذاری و عمامه گذاری رسول الله با دست شریف خود بر سر مولی الموحدین است.

غدیر روز «من کنت مولاه فعلی مولاه» است.

غدیر روز «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله» است.

غدیر روز بیعت با حق است، روز سرسپردگی است، روز مبادله و معامله نفس با خداوند نفس، روز داد و ستد جنود شیطان با جنود رحمان، روز فراق ظلمت و ورود در جهان روشنی است.

غدیر روز محک است، روز تمایز ایمان و کفر، و خلوص و نفاق، و صفا و حیل، و نور و تاریکی است.

غدیر روز درخشش خورشید عالمتاب از پس پرده های ابر گران، و تابش در دل های جانداران است.

غدیر روز تعریف راستین، و برکناری خوف از شیطان، و سرآمدن زمان تقیه، و وحی امر الزامی بر لزوم

کشف حجاب حقیقت از روی چهره ولایت، و ابراز هویت است.

غدیر روز «بخ بخ لک یا علی اصبحت و امسیت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه» است.

غدیر روز عید اکبر: روز بلند کردن رسول خدا علی بن ابیطالب را در مرای و مسمع مردم، و خواندن خطبه و امر به تسلیم امت در برابر اوامر و نواهی مولای متقیان است.

غدیر تنها نام یک سرزمین نیست. یک تفکر است، نشانه و رمزی است که از تداوم خط نبوت حکایت می کند. غدیر نقطه تلاقی کاروان رسالت با طلایه داران امامت است.

آری غدیر یک سرزمین نیست، چشمه ای است که تا پایان هستی می جوشد، کوثری است که فنا بر نمی دارد، افقی است بی کرانه و خورشیدی است عالمتاب.

در غدیر، عترت، همتای قرآن معرفی می شود: *إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي*، و این دو همتای وزین تا همیشه، جدایی ناپذیرند: *لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ*.

پس عترت بسان قرآن است و اوصاف قرآنی دارد. اگر قرآن خود را «نور»، «هادی»، «بیان»، «تبیان»،

«شفاء»، «حق» و... وصف کرده، عترت نیز چنین خواهد بود، چرا که نور و ظلمت، هادی و مضل، شفاء

و درد، حق و باطل، بیان و ابهام همتای هم نیستند، تنها نور با نور، حق با حق، شفاء با شفاء و... می

توانند دو ثقل جدایی ناپذیر باشند، و این یعنی عصمت عترت، یعنی حجیت کلام، فعل و تقریر آنان.

زیرا آنچه نور است، ظلمت را در آن راهی نیست، و آنچه حق است، از باطل به دور است، و هادی، از

اضلال مبرا است، و بیان و تبیان، مجمل نیست تا روشنگر بخواهد و این یعنی عصمت و حجیت سنت

آنان. *فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ*».

در غدیر، عترت به مقام مولایی و جانشینی رسول الله (ص) برمی نشیند. رسول صلا می دهد: *أَيُّهَا النَّاسُ*

مَنْ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ امت پاسخ را به خدا و رسول و امی گذارد و پیامبر (ص) می فرماید: *إِنَّ*

اللَّهَ مَوْلَايَ وَ أَنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنَا أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ. مسلمانان به مولایی و اولویت رسول اعتراف

می کنند و ایشان این منصب را به جانشین خود و امی گذارد و می گوید: *فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ*.

این بود پیام غدیر: عصمتِ عترت، حجّیتِ سنّتِ عترت، جانشینی و خلافتِ عترت.^۱

غدیر و آشکار شدن توطئه‌های پنهان

از آغاز بعثت رسول خدا (ص) و پیدایش مخالفت‌ها و تضادها و درگیریها و بکارگیری انواع شکنجه و آزار جسمی و روحی پیامبر(ص) و یاران ایشان و عدم تسلیم ایشان در برابر هجوم مشکلات، و گسترش اسلام و اوج‌گیری همه‌جانبه مقاومت مسلمین در برابر انواع تهاجمات مشرکین و کفار، هر روز بر تعداد مسلمانان افزوده می‌شد و مردم فوج فوج به اسلام می‌گرویدند.

اما اغراض و خواسته‌ها متفاوت بود و هرکدام از آنها به دلایل خاصی اسلام آورده بود. گروهی با اخلاص و یقین ایمان آوردند و تا مرز شهادت پیش رفتند و گروهی دیگر چون بازار اسلام را گرم دیدند جذب شدند. برخی از ستم سران قریش به ستوه آمده بودند و بعضی‌ها هم همواره بر سر دو راهی قرار داشتند، دستی برای بیعت و پایی برای فرار آماده داشتند. اگر پیروزی اسلام مطرح بود جانب‌داری

^۱ - بر گرفته از ماهنامه کوثر، ش ۲، محمدجواد صاحبی

می کردند، شعارها می دادند و اگر روزی ضعفی در سپاه اسلام مشاهده می نمودند فرار می کردند. از جمله ابابکر و عمر که بنا به قول اکثریت قریب به اتفاق مورخان، هر دو در لحظات حساس فرار می کردند.^۱

بعضی دیگر راه رسیدن به قدرت و حکومت را هماهنگی با اسلام و پیامبر (ص) می دانستند. پس همه یکسان نبودند گاهی در شمار مسلمین بودند و بر ضد پیامبر (ص) نقشه‌ها می کشیدند و دروغ و تهمت به نام ایشان پخش می کردند، گاهی سخنان وحی گونه ایشان را به استهزاء می گرفتند، قبول نمی کردند و آنرا طرد می نمودند.

این گرایشها و اقسام مخالفان و منافقان و فرصت طلبان بگونه‌ای پنهان و ناپیدا در جامعه اسلامی با هزار رنگ کاری و...، تظاهر به حمایت از دین و یاری پیامبر (ص) می کردند و خداوند و پیامبر (ص) نیز آنان را رسوا نکرده بودند، و به ظاهر، تسلیم شدن آنان را پذیرفتند و آنان را از حقوق اجتماعی مومنین محروم نکردند تا آنکه آزمایش نهایی الهی با اعلام ولایت علی (ع) در غدیر خم مطرح شد که در آن آزمایش عقیدتی، همه امتحان شدند و روشن شد که چه کسانی به سخنان پیامبر (ص) و دستورات الهی ایمان و اعتقاد داشته و چه کسانی ندارند و از آن سرباز می زنند؟

چه کسانی به ظاهر بیعت می کنند و سپس پیمان بیعت را می شکنند؟ و چه کسانی بر بیعت با امامت حضرت علی (ع) پایدار می مانند و تا مرز شهادت پیش می روند؟

چه افرادی با شنیدن امامت علی (ع) خوشحال می گردند و چه گروهی نگران شده و دست به نقشه‌های خطرناک می زنند.

واقعه غدیر خم مومن و منافق، مسلمان و متظاهر به اسلام، وفادار و پیمان شکن را به روشنی شناساند و نشان داد که مرز ایمان و کفر کدام است. اگر حادثه غدیر خم نبود و گروههای متفاوت

^۱ طبقات ج ۳ ص ۱۵۵ ابن سعد- سیره نبوی ج ۳ ص ۵۸ ابن کثیر شافعی - البدایه و النهایه ج ۴ ص ۲۹ - کنز العمال - ج ۱۰ ص ۲۶۸ - و همچنین ۲۵ منبع موثق دیگر که همه آنها به این واقعیت اشاره کرده‌اند. - به نقل از حماسه غدیر - محمد دشتی - ص ۹۱

اجتماعی مسلمین به همان صورت یاد شده، با همان اختلافها و تضادها و انواع گرایشها باقی می ماندند و رسول خدا از جهان رخت برمی بست، اساس اسلام و بنیان ایمان در خطر بود و راهی برای شناخت حق و باطل و شناخت امام هدایت و رهبر ضلالت وجود نداشت، برای همین جهت پیام الهی فرا رسید و آیه تبلیغ نازل گشت.

پس از نزول فرشته وحی، و اعلان عمومی، و تحقق بیعت پیامبر و مردم با علی (ع)، نهانها آشکار گردید و کینه های چندین ساله شکل گرفت و خط نفاق و کفر و عصیان به هم نزدیک شدند و توطئه های پنهانی رخ نشان داد. زیرا مخالفان و منافقان که با گرایشهای مختلف و اهداف گوناگون گرد پیامبر جمع شده بودند به یکباره سرگردان شدند که چه باید کرد و چه کاری می توان انجام داد.

آنها منتظر آینده ای نزدیک بودند تا پس از رحلت رسول خدا (ص) پرده ها را بالا بزنند و اهداف پنهانی خود را با نام مصلحت دینی تحقق بخشند. اما فکر نمی کردند غافلگیر شوند و پیک وحی همه بافته های ذهنی آنان را نقش بر آب کند و ولایت علی (ع) اعلام و با بیعت عمومی مسلمین سامان گیرد. این واقعه چنان بر آنها سنگین بود که از طرح ریزی هر نقشه و طرحی عاجز ماندند و مصلحت را در آن دیدند که سیاست پنهان کاری و نفوذ و ضربه را تداوم دهند و باز برای فرصت مناسب تری روز شماری کنند و به ظاهر بیعت نمودند.

اما باید برخی از کارها را نیز انجام می دادند تا پیامبر (ص) و یاران را بیازمایند. مثل مخالفت علنی برخی از حاضران از جمله حارث بن نعمان فهری که دشمن امام بود و با عدم قبول امامت ایشان، از خداوند فرود آمدن سنگی برای او را در صورت صحیح بودن امامت درخواست کرد که اتفاقاً دعای وی نیز مستجاب شد و همان لحظه سنگی از آسمان فرود آمد و وی را به هلاکت رساند.

همچنین مخالفان حضرت که فکر می‌کردند در بن بست کاملی قرار دارند تصمیم گرفتند با رم دادن شتر آن حضرت در درهای عمیق که راه کوهستانی عقبه بود، بگونه‌ای که همگان فکر کنند بصورت طبیعی و اتفاقی این کار انجام شده، ایشان را ترور نمایند. که این نقشه نیز با پیک وحی و آگاهی دادن پیامبر، نافرجام ماند. هرچند آنان از فرصت خوب استفاده کرده و با شمشیرهای برهنه خود به پیامبر(ص) حمله کردند. ولی با مقاومت بی‌نظیر عمار یاسر و حذیفه روبرو شدند که مجبور به فرار شدند.

حذیفه گفت یا رسول الله آنها چه کسانی بودند:

پیامبر(ص) فرمود نگاه کن:

در آن هنگام برقی جهید و چهره آنان آشکارا دیده شد که حذیفه با شگفتی چهره افراد زیر را بدرستی شناخت: ابابکر، عمر، طلحه، عبدالرحمن عوف، سعد بن ابی وقاص، ابو عبیده جراح، معاویه، عمرو بن عاص، ابوموسی اشعری، و...^۱

با این ترور نافرجام بود که همه دانستند چه اختلافاتی پدید خواهد آمد و به روشنی حوادث تلخ آینده را می‌نگریستند. و پیامبر(ص) هم این نکته را به خوبی درک کرد و چون هر لحظه احتمال می‌رفت که از غدیر خم تا مدینه در آن راه طولانی تشکل‌های شیطانی شکل گیرد و دست به یک سلسله حرکات مذبحانه بزنند که برای جهان اسلام و وحدت مسلمین ناخوشایند باشد پیامبر(ص) دستور دادند در طول راه تا رسیدن به شهر مدینه دو نفر یا سه نفر حق ندارند گرد هم آیند و زیر گوش با هم سخن بگویند. و با این فرمان، تشکل‌های شیطانی ضربه خورد و اجتماعات توطئه آمیز لغو گردید^۱

^۱- کشف الیقین؛ ص ۱۳۷، علامه حلی - ارشاد القلوب ص ۱۱۲ و ۱۳۵ - دیلمی و بحارالانوار ج ۲۸ ص ۸۶ علامه مجلسی - به نقل از ک: حماسه غدیر - محمد دشتی، ص ۱۰۸

^۱- مراجعه شود به مدارک ترور نافرجام (کشف الیقین - ارشاد القلوب - بحارالانوار)

همچنین از دیگر کارهایی که منافقان طرح ریزی کردند و به برکت واقعه غدیر شناخته شدند، طرح طومار برای اعلان مخالفت علنی با ولایت علی (ع) بود که عهد نامه‌ای را تنظیم و آنرا امضاء و از عمق، کینه توزی قریش و مخالفان علی (ع) را به اثبات رساندند که نام ابوسفیان و فرزند ابی جهل و صفوان بن امیه و خالد بن ولید در رأس همه امضاءها به چشم می‌خورد. ابوسفیانی که در جنگ‌های مکرر از پیامبر (ص) سیلی خورد و خالد که دست او تا آرنج در خون شهیدان اسلام رنگین است^۲ یعنی سردمداران شرک و کفر دست در دست منافقان مسلمان نما گذاشته‌اند تا خورشید ولایت را انکار کنند. که اینها هیچکدام قبل از غدیر خم وجود نداشت و با واقعه غدیر همه آنان رسوا شدند و تاریخ چهره واقعی آنان را برای همیشه ثبت و بر همگان شناساند و فقط یک دل بیدار و یک وجدان آگاه می‌خواهد تا این حقایق را بفهمد.

^۲ - به نقل از ک: حماسه غدیر، محمد دشتی، ص ۱۱۹

منزلت هشتم

نمونه‌ای از فرمایشات گهر بار

رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری در ارتباط با غدیر

۱- امام خمینی (ره)

... مسئله غدیر مسئله‌ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک مسئله پیش بیاورد، حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است موجب این شده است که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد. آن که ارزش دارد خود حضرت است که دنبال آن ارزش غدیر آمده است. خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسی نیست که بتواند عدالت را آن طوری که باید انجام بدهد آن طوری که دلخواه است انجام بدهد مأمور می‌کند رسول الله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد این را نصب کن. نصب حضرت امیر به خلافت این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد. مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود....

زنده نگه داشتن این عید نه تنها برای این است که چراغانی بشود و قصیده خوانی بشود و مداحی بشود اینها خوب است اما مسئله این نیست مسئله این است که به ما یاد بدهند که چطور باید تبعیت بکنیم به ما یاد بدهند که غدیر منحصر به آن زمان نیست غدیر باید در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است باید روش ملتها و دست اندرکاران باشد. قضیه

قدیر قضیه جعل حکومت است این است که قابل نصب است والا مقامات معنوی قابل نصب نیست یک چیزی نیست که با نصب آن مقام پیدا بشود...^۱

۲- مقام معظم رهبری

... غدیر یک مساله اسلامی است یک مساله فقط شیعی نیست. در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم یک روز سخنی بر زبان رانده و عملی انجام داده است که این سخن و این عمل، از ابعاد گوناگون دارای درس و معناست. نمی شود ما بگوییم که از غدیر و حدیث غدیر، فقط شیعه استفاده کند اما بقیه مسلمانان از محتوای بسیار غنی بی که در این کلام شریف نبوی هست و مخصوص یک دوره هم نیست، بهره نبرند.

البته چون در قضیه غدیر، نصب امیرالمومنین (ع) به امامت و ولایت وجود دارد، شیعه یک دل بستگی بیشتری به این روز و این حدیث دارد ولی مضمون حدیث غدیر، فقط مساله نصب امیرالمومنین به خلافت نیست مضامین دیگری هم دارد که همه مسلمانان می توانند از آن بهره ببرند.

در مورد اصل واقعه غدیر، خوب است که همه افرادی که به مسایل تاریخ اسلام علاقه مندند، بدانند که قضیه غدیر، یک قضیه مسلم است مشکوک نیست فقط شیعیان نیستند که آن را نقل کرده اند بلکه محدثان سنی چه در دوره های گذشته، چه در دوره های میانی و بعدی این ماجرا را نقل کرده اند یعنی همین ماجرای که در سفر حجه الوداع پیامبر اکرم در غدیر خم اتفاق افتاد.

^۱ - صحیفه نور ج ۲۰ ص ۱۱۲

... این را همان طور که لابد شنیده اید، برادران اهل سنت ما در کتابهای معتبر، نه

یکی، نه دو تا، در دهها کتاب معتبر نقل کرده اند. که مرحوم علامه ی امینی اینها را جمع کرده

است، و غیر از ایشان هم کتابهای زیادی در این خصوص نوشته اند. بنابراین، این روز، اولاً روز

ولایت است ثانیاً روز ولایت امیرالمومنین است.

در این جمله‌ای که پیامبر بیان کرده اند، معنای ولایت چیست؟ به طور خلاصه معنایش

این است که اسلام در نماز و روزه و زکات و اعمال فردی و عبادات خلاصه نمی شود، اسلام دارای

نظام سیاسی است، حکومتی بر مبانی مقررات اسلامی پیش بینی شده است.

در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، ولایت است. ولایت، چه طور حکومتی است؟

... ولایت، یعنی آن حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری،

عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت آمیز است مردم به او متصل و پیوسته اند به او علاقه مندند و او منشا

همه این نظام سیاسی و وظایف خود را از خدا می داند و خود را عبد و بنده ی خدا می انگارد. استکبار

در ولایت وجود ندارد.

حکومتی که اسلام معرفی می کند، از دموکراسی های رایج دنیا مردمی تر است با دلها و

افکار و احساسات و عقاید و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد حکومت در خدمت مردم است. از جنبه

مادی، حکومت برای شخص حاکم و ولی و تشکیلات حکومتی، به عنوان یک طعمه نباید محسوب بشود

و الا ولایت نیست.

... در غدیر، مساله ولایت، به عنوان یک امر رسمی از سوی پیامبر مطرح شد و امیرالمومنین به

عنوان مصداق آن تعیین گردید.

... همین مساله غدیر هم می تواند مایه وحدت باشد همچنان که مرحوم آیت الله شهید مطهری مقاله‌ای با عنوان الغدیر و وحدت اسلامی دارد. او کتاب الغدیر را که درباره مسائل مربوط به غدیر است یکی از محورهای وحدت اسلامی می داند که درست هم است. ممکن است به نظر عجیب بیاید، اما واقعیت مطلب همین است. خود مساله غدیر، غیر از آن جنبه‌ی که شیعه آن را به عنوان اعتقاد قبول کرده است یعنی حکومت منصوب امیرالمومنین از طرف پیامبر، که در حدیث غدیر آشکار است اصل مساله‌ی ولایت هم مطرح شده است، این دیگر شیعه و سنی ندارد. اگر امروز مسلمانان جهان و ملت‌های کشورهای اسلامی شعار ولایت اسلامی را سر بدهند، بسیاری از راه‌های نرفته و گره‌های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد شد. مساله حکومت و نظام سیاسی و حاکمیت سیاسی، یکی از دشوارترین مسائل برای کشورهاست.

بعضی کشورها دچار استبداد و دیکتاتوری‌اند بعضی دچار حکومت‌های فاسدند، بعضی دچار حکومت‌های ضعیف‌اند بعضی دچار حکومت‌های دست‌نشانده‌اند. اگر حکومت اسلامی به معنای حقیقی یعنی همان ولایت به عنوان شعار برای مسلمانان مطرح بشود، علاج ضعف را هم می‌کند علاج اقتصاد را هم می‌کند علاج دست‌نشانده‌گی را هم می‌کند علاج دیکتاتوری را هم می‌کند. بنابراین، پرچم ولایت، یک پرچم اسلامی است. من از همه برادران شیعه و سنی در کشور خودمان دعوت می‌کنم فعلاً آن محدوده جغرافیایی خودمان را مطرح می‌کنم که به مساله غدیر با این چشم نگاه کنند و این بخش از حدیث غدیر و مساله غدیر را مورد توجه قرار دهند.

برادران سنی ما هم مثل ما روز غدیر را عید بگیرند عید ولایت برای این که اصل تولد مسأله ولایت، اهمیتش بسیار زیاد است، مثل اهمیت ولایت امیرالمومنین که این دیگر بین ما و برادران سنی مشترک است...^۱.

منزلت نهم

عید غدیر خم

عید غدیر، یک عید اصیل اسلامی است. چرا که روز هجدهم ذی الحجه را مسلمانان در سه قرن اول، به این عنوان جشن می گرفته‌اند. گفتار مقریزی که می گوید: «اولین باری که این عید در اسلام معروف شد، در زمان فرمانروایی معزالدوله علی بن بویه، در عراق بود، وی آن را به سال سیصد و پنجاه و دو هجری، بوجود آورد و از آن پس، شیعیان این روز را عید قرار دادند»^۲، غیر صحیح و قابل قبول نیست. زیرا مسعودی گفته است: «فرزندان و شیعیان علی رضی الله عنه، این روز را گرامی می داشتند»^۳ و این در حالی است که مسعودی شش سال قبل از تاریخی که مقریزی می گوید، یعنی به سال سیصد و چهل و شش هجری، فوت کرده است.

فرات بن ابراهیم از دانشمندان قرن سوم، حدیثی را از امام صادق (ع) روایت می کند که حضرت در آن از آباء طاهرینش - علیهم السلام - نقل می کند: رسول اکرم (ص) فرمود:

«روز غدیر از بهترین اعیاد امت من است...»^۴

امام علی (ع) در سالی که روز جمعه و روز غدیر با هم مصادف شده بود، برای مردم خطبه خواند و در آن فرمود:

^۱ - جمع انبوه زائران حرم امام رضا (ع) ، مورخه ۷۹/۱/۶

^۲ - الخطط مقریزی، ج ۱، ص ۲۸۸

^۳ - التنبيه و الاشراف، ص ۲۲۱ و ۲۲۲

^۴ - «يوم غدیر خم افضل اعیاد امتی...» الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۳.

«ان الله عز و جل جمع لكم معشر المؤمنين فى هذا اليوم عیدین عظیمین کبیرین...»

«خدای عزوجل در این روز، دو عید عظیم بزرگ را برای شما گروه مؤمنان جمع کرده است.» در این خطبه طولانی امام مردم را به انجام کارهایی که شایسته است در اعیاد انجام گردد و اظهار شادی و سرور در این گونه ایام - بطور تفصیل - امر می کند. طالبین به این خطبه مراجعه کنند.^۱

احادیث اهل بیت (ع) در مورد منزلت و عظمت عید غدیر

۱- برترین عید امت

رسول خدا(ص) فرمود: «روز غدیر خم برترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خداوند بزرگ دستور داد؛ آن روز برادرم علی بن ابی طالب را به عنوان پرچمدار (و فرمانده) امتم منصوب کنم، تا بعد از من مردم توسط او هدایت شوند، و آن روزی است که خداوند در آن روز دین را تکمیل و نعمت را بر امت من تمام کرد و اسلام را به عنوان دین برای آنان پسندید.»^۲

۲- عید بزرگ خدا

«امام صادق(ع) فرمود: روز غدیر خم عید بزرگ خداست، خدا پیامبری مبعوث نکرده، مگر اینکه این روز را عید گرفته و عظمت آن را شناخته و نام این روز در آسمان، روز عهد و پیمان و در زمین، روز پیمان محکم و حضور همگانی است.»^۳

^۱- به نقل از ماهنامه کوثر، عید غدیر در اسلام ، علامه جعفر مرتضی العاملی

^۲- یوم غدیر خم افضل اعیاد امتی و هو الیوم الذی امرنی الله تعالی ذکره فیه بنصب اخى علی بن ابی طالب علما لامتی، بهتدون به من بعدی و هو الیوم الذی اکمل الله فیه الدین و اتم علی امتی فیه النعمه و رضی لهم الاسلام دینا. امالی صدوق: ۱۲۵، ح ۸

^۳- عن الصادق(ع) قال: هو عید الله الاکبر، ما بعث الله نبیا الا و تعید فی هذا الیوم و عرف حرمته و اسمه فی السماء یوم العهد المعهود و فی الارض یوم الميثاق الماخوذ و الجمع المشهود. وسائل الشیعه، ۵: ۲۲۴، ح ۱.

۳- عید ولایت

«به امام صادق(ع) گفته شد: آیا مؤمنان غیر از عید فطر و قربان و جمعه عید دیگری دارند؟»

فرمود:

آری، آنان عید بزرگتر از اینها هم دارند و آن روزی است که امیرالمؤمنین(ع) در غدیر خم بالا

برده شد و رسول خدا مساله ولایت را بر گردن زنان و مردان قرار داد.^۱

۴- روز تجدید بیعت

«عمار بن حریر گوید: روز هجدهم ماه ذیحجه خدمت امام صادق(ع) رسیدم و آن حضرت را

روزه یافتم. امام به من فرمود: امروز، روز بزرگی است، خداوند به آن عظمت داده و آن روز دین

مؤمنان را کامل ساخت و نعمت را بر آنان تمام نمود و عهد و پیمان قبلی را تجدید کرد.^۲

۵- عید آسمانی

«امام رضا(ع) فرمود: پدرم به نقل از پدرش (امام صادق(ع)) نقل کرد که فرمود: روز غدیر در

آسمان مشهورتر از زمین است.^۳

۶- عید بی نظیر

«علی(ع) فرمود: امروز (عید غدیر) روز بس بزرگی است. در این روز گشایش رسیده و منزلت

(کسانی که شایسته آن بودند) بلندی گرفت و برهانهای خدا روشن شد و از مقام پاک با

صراحت سخن گفته شد و امروز روز کامل شدن دین و روز عهد و پیمان است.^۴

^۱ - قیل لابی عبد الله(ع): للمؤمنین من الاعیاد غیر العیدین و الجمعة؟ قال: نعم لهم ما هو اعظم من هذا، یوم اقیم امیرالمؤمنین(ع) فعقد له رسول الله الولاية فی اعناق الرجال والنساء بغدیر خم، وسائل الشیعه، ۷: ۳۲۵، ح ۵.

^۲ - عن عمار بن حریر قال دخلت علی ابی عبد الله(ع) فی یوم الثامن عشر من ذی الحجة فوجدته صائما فقال لی: هذا یوم عظیم عظم الله حرمة علی المؤمنین و اکمل لهم فیہ الدین و تمم علیهم النعمة و جدد لهم ما اخذ علیهم من العهد والميثاق. مصباح المتبهج: ۷۳۷.

^۳ - قال الرضا(ع): حدثنی ابی، عن ابیه(ع) قال: ان یوم الغدیر فی السماء اشهر منه فی الارض. مصباح المتبهج: ۷۳۷.

^۴ - قال علی(ع): ان هذا یوم عظیم الشان، فیہ وقع الفرج، ورفعت الدرج و وضحت الحجج وهو یوم الايضاح والافصاح من المقام الصراح، ویوم کمال الدین و یوم العهد المعهود... بحار الانوار، ۹۷: ۱۱۶.

۷- عید پربرکت

«امام صادق(ع) فرمود: به خدا قسم اگر مردم فضیلت واقعی «روز غدیر» را می‌شناختند، فرشتگان روزی ده بار با آنان مصافحه می‌کردند و بخششهای خدابه‌کسی که آن روز را شناخته، قابل شمارش نیست.»^۵

۸- عید فروزان

«امام صادق(ع) فرمود:.... روز غدیر خم در میان روزهای عید فطر و قربان و جمعه همانند ماه در میان ستارگان است.»^۱

۹- روز اطعام

«امام صادق(ع) فرمود: عید غدیر، روزی است که رسول خدا(ص) علی(ع) را بعنوان پرچمدار برای مردم برافراشت و فضیلت او را در این روز آشکار کرد و جانشین خود را معرفی کرد، بعد بعنوان سپاسگزاری از خدای بزرگ آن روزه را روزه گرفت و آن روز، روز روزه‌داری و عبادت و طعام دادن و به دیدار برادران دینی رفتن است. آنروز روز کسب خشنودی خدای مهربان و به خاک مالیدن بینی شیطان است.»^۲

^۵- عن الصادق(ع): والله لو عرف الناس فضل هذا اليوم بحقيقته لصافحتهم الملائكة في كل يوم عشر مرات... وما اعطى الله لمن عرفه ما لا يحصى بعدد. مصباح المتجهج: ۷۳۸.

^۱- قال ابو عبد الله(ع): ... و يوم غدیر بین الفطر والاضحی و يوم الجمعة كالقمر بین الكواكب. اقبال سید بن طاووس: ۴۶۶.

^۲- قال ابو عبد الله(ع): ... و انه اليوم الذي اقام رسول الله(ص) عليا(ع) للناس علما و ابان فيه فضله و وصيه فصام شكرا لله عزوجل ذلك اليوم و انه ليوم صيام و اطعام و صلة الاخوان و فيه مرضاة الرحمن، و مرغمة الشيطان. وسائل الشيعه ۷: ۳۲۸، ضمن حديث ۱۲.

۱۰- روز سپاس و شادی

«امام صادق(ع) فرمود: عید غدیر، روز عبادت و نماز و سپاس و ستایش خداست و روز سرور و

شادی است به خاطر ولایت ما خاندان که خدا بر شما منت گذارد و من دوست دارم که شما آن

روز را روزه بگیرید.»^۳

۱۱- روز نیکوکاری

«از امام صادق(ع) نقل شده که فرمود: یک درهم به برادران با ایمان و معرفت، دادن در روز عید

غدیر برابر هزار درهم است، بنابراین در این روز به برادرانت انفاق کن و هر مرد و زن مؤمن را

شاد گردان.»^۴

۱۲- روز تبریک و تهنیت

«علی(ع) فرمود: بعد از پایان گردهم آیی خود (در روز غدیر) به خانه برگردید، خدا بر شما

رحمت فرستد. به خانواده خود گشایش و توسعه دهید، به برادران خود نیکی کنید، خداوند را بر

این نعمت که شما را بخشیده است، سپاس گزارید، متحد شوید تا خدا به شما وحدت بخشد،

نیکویی کنید تا خدا دوستیتان را پایدار کند، به همدیگر نعمت خدا را تبریک بگوئید، همانطور که

خداوند در این روز با چندین برابر عیدهای دیگر پاداش دادن به شما تبریک گفته، این گونه

پاداشها جز در روز عید غدیر نخواهد بود.»^۱

^۳- قال ابو عبد الله(ع): ... هو يوم عبادة و صلوة و شكر لله و حمد له، و سرور لما من الله به عليكم من ولايتنا، و انى احب لكم ان تصوموه. وسائل الشيعه ۷: ۳۲۸، ح ۱۳.

^۴- عن الصادق(ع): ... و لدرهم فيه بالف درهم لاخوانك العارفين، فافضل على اخوانك فى هذا اليوم و سر فيه كل مؤمن و مؤمنة. مصباح المتبهج: ۷۳۷.

^۱- قال على(ع): عودوا رحمكم الله بعد انقضاء مجمعكم بالتوسعة على عيالكم، و البر باخوانكم و الشكر لله عزوجل على ما منحكم، واجتمعوا يجمع الله شملكم، و تباروا يصل الله الفتكم، و تهانوا نعمة الله كما هنا كم الله بالثواب فيه على اضعاف الاعياد قبله و بعده الا فى مثله... بحار الانوار ۹۷: ۱۱۷.

«امام صادق(ع) فرمود: در روز عید غدیر، خدا را با روزه و عبادت و یاد پیامبر و خاندان او یادآوری کنید، زیرا رسول خدا به امیرالمؤمنین سفارش کرد که آن روز را عید بگیرد، همینطور پیامبران هم به جانشینان خود سفارش می‌کردند که آن روز را عید بگیرند، آنان هم چنین می‌کردند.»^۲

۱۴- روز گشایش و درود

«امام صادق(ع) فرمود: ارزش عمل در آن روز (عید غدیر) برابر با هشتاد ماه است، و شایسته است آن روز ذکر خدا و درود بر پیامبر(ص) زیاد شود، و مرد، بر خانواده خود توسعه دهد.»^۳

۱۵- نماز روز غدیر

«امام صادق(ع) فرمود: کسی که در روز عید غدیر هر ساعتی که خواست، دو رکعت نماز بخواند و بهتر اینست که نزدیک ظهر باشد که آن ساعتی است که امیرالمؤمنین(ع) در آن ساعت در غدیر خم به امامت منصوب شد، (هر که چنین کند) همانند کسی است که در آن روز حضور پیدا کرده است...»^۱

^۲ عن ابی عبد الله(ع) قال: ... تذکرون الله عز ذکره فیه بالصیام والعبادة والذکر لمحمد و آل محمد، فان رسول الله(ص) اوصی امیرالمؤمنین ان یتخذ ذلک الیوم عیداً، و کذلک کانت الانبیاء تفعل، کانوا یوصون اوصیائهم بذلک فیتخذونه عیداً. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۷، ح ۱.

^۳ عن ابی عبد الله(ع) قال: والعمل فیه یعدل ثمانین شهراً، و ینبغی ان یکثر فیه ذکر الله عزوجل، والصلوة علی النبی(ص)، و یوسع الرجل فیه علی عیاله. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۵، ح ۶.

^۱ عن ابی عبد الله(ع) قال: و من صلی فیه رکعتین ای وقت شاء و افضله قرب الزوال و هی الساعه التي اقیم فیها امیرالمؤمنین(ع) بغدیر خم علماً للناس و... کان کمن حضر ذلک الیوم... وسائل الشیعه ۵: ۲۲۵، ح ۲.

«امام صادق(ع) فرمود: روزه روز غدیر خم با روزه تمام عمر جهان برابر است. یعنی اگر انسانی

همیشه زنده باشد و همه عمر را روزه بگیرد، ثواب او به اندازه ثواب روزه عید غدیر است.»^۲

۱۷- زندگی پیامبرگونه

«رسول خدا(ص) فرمود: کسی که می‌خواهد زندگی و مرگش همانند من باشد و در بهشت

جاودانه‌ای که پروردگارش به من وعده کرده، ساکن شود، ولایت علی بن ابی طالب(ع) را

انتخاب کند، زیرا او هرگز شما را از راه هدایت بیرون نبرده، به گمراهی نمی‌کشاند.»^۳

۱۸- پیامبر و امامت علی(ع)

«جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که به علی بن ابی طالب(ع) فرمود:

ای علی، تو برادر و وصی و وارث و جانشین من در میان امت من در زمان حیات و بعد از مرگ

منی. دوستدار تو دوستدار من و دشمن تو دشمن من است.»^۴

۱۹- پایه‌های اسلام

«امام باقر(ع) فرمود: اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و به

هیچ چیز به اندازه آنچه در روز غدیر به ولایت تاکید شده، ندا نشده است.»^۱

^۲- قال الصادق(ع): صیام یوم غدیر خم یعدل صیام عمر الدنیا لو عاش انسان ثم صام ما عمرت الدنیا لکان له ثواب ذلک. وسائل الشیعه ۷: ۳۲۴، ح ۴.

^۳- قال رسول الله(ص): من یرید ان یحیی حیاتی، و یموت مماتی، ویسکن جنۃ الخلد التی وعدنی ربی فلیتول علی ابن ابی طالب(ع) فانه لن یخرجکم من هدی، ولن یدخلکم فی ضلالۃ. الغدیر ۱۰: ۲۷۸.

^۴- عن جابر بن عبد الله الانصاری قال: سمعت رسول الله(ص) یقول لعلی بن ابی طالب(ع): یا علی! انت اخی و وصیی و وارثی و خلیفتی علی امتی فی حیوتی و بعد وفاتی محبک محبی و مبغضک مبغضی و عدوک عدوی. امالی صدوق: ۱۲۴، ح ۵.

^۱- عن ابی جعفر(ع) قال: بنی الاسلام علی خمس: الصلوة و الزکوة و الصوم و الحج و الولایة و لم یناد بشیء ما نودی بالولایة یوم الغدیر. کافی ۲، ح ۲۱، ۸.

۲۰- ولایت جاودانه

«امام کاظم(ع) فرمود: ولایت علی(ع) در کتابهای همه پیامبران ثبت شده است و هیچ پیامبری

مبعوث نشد، مگر با میثاق نبوت محمد(ص) و امامت علی(ع).»^۲

۲۱- ولایت و توحید

«رسول خدا(ص) فرمود: ولایت علی بن ابیطالب(ع) ولایت خداست، دوست داشتن او عبادت

خداست، پیروی کردن او واجب الهی است و دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان

خدایند، جنگ با او، جنگ با خدا و صلح با او، صلح با خدای متعال است.»^۳

۲۲- روز ناله نومیدی شیطان

«امام باقر(ع) از پدر بزرگوارش امام صادق(ع) نقل کرد که فرمود: شیطان دشمن خدا چهار بار

ناله کرد: روزی که مورد لعن خدا واقع شد و روزی که به زمین هبوط کرد و روزی که پیامبر

اکرم(ص) مبعوث شد و روز عید غدیر.»^۴

۲۳- اسلام در سایه ولایت

«امام صادق(ع) فرمود: سنگهای زیربنای اسلام سه چیز است: نماز، زکات و ولایت که هیچ یک

از آنها بدون دیگری درست نمی شود.»^۱

^۲ عن ابی الحسن(ع) قال: ولایة علی(ع) مكتوبة فی صحف جميع الانبياء ولن يبعث الله رسولا الا بنبوۀ محمد ووصیة علی(ع). سفینة البحار ۲: ۶۹۱

^۳ قال رسول الله(ص): ولایة علی بن ابی طالب ولایة الله و حبه عبادة الله و اتباعه فريضة الله و اولياؤه اولياء الله و اعداؤه اعداء الله و حربه حرب الله و سلمه سلم الله عز و جل. امالی صدوق: ۳۳.

^۴ عن جعفر، عن ابيه(ص) قال: ان ابليس عدو الله رن اربع رنات: يوم لعن، و يوم اهبط الى الارض، و يوم بعث النبي(ص) و يوم الغدير. قرب الاسناد: ۱۰.

^۱ قال الصادق(ع): انا فی الاسلام ثلاثه: الصلوة و الزکوة و الولاية، لا تصح واحدة منهن الا بصاحبتيها. کافی: ۲، ص ۱۸.

۲۴- ده هزار شاهد

«امام صادق(ع) فرمود: ای حفص! شگفتا از آنچه علی بن ابی طالب(ع) با آن مواجه شد! او با ده هزار شاهد و گواه (در روز غدیر) نتوانست حق خود را بگیرد، در حالی که شخص با دو شاهد حق خود را می‌گیرد.»^۲

۲۵- علی(ع) مفسر قرآن

«پیامبر اکرم (ص) روز عید غدیر فرمود: علی(ع) تفسیر کتاب خدا، و دعوت کننده به سوی خداست»^۳

^۲- قال ابو عبد الله(ع): العجب يا حفص لما لقي علي بن ابی طالب!! انه كان له عشرة الاف شاهد لم يقدر علي اخذ حقه و الرجل ياخذ حقه بشاهدين بحار الانوار: ۳۷، ۱۴۰.

^۳- عن النبي(ص) في احتجاجه يوم الغدير: علي تفسیر کتاب الله، و الداعي اليه . وسایل الشيعه: ۱۸، ۱۴۲، ح ۴۳.

اگر هر مسلمانی بدون تعصب و بدون عاطفه و احساسات به این واقعیات بنگرد خواهد دید که علی (ع) دانشمند ترین انسان پس از رسول خدا (ص) است و تاریخ گواه است که بزرگان اصحاب در آنچه بر آنان دشوار می آمد رو به سوی او می آوردند و از ایشان استمداد می جستند. و تنها عمر بن خطاب در بیش از هفتاد مورد گفت «لولا علی لهلك عمر»^۱ (اگر علی نبود قطعاً عمر به هلاکت می رسید).

و تاریخ خود، شهادت می دهد که علی بن ابیطالب شجاع ترین و نیرومندترین اصحاب بود و اگر بسیاری از قهرمانان از اصحاب، در مواقع حساس پا به فرار گذاشتند او در تمام مواقع ثابت و پابرجا ماند. غدیر نیز یکی از این شواهد بود که جز علی (ع) کسی دیگر لیاقت امامت مسلمین را ندارد. اما چه کردند باعلی (ع). با این همه فضیلت و با این همه مدارک و با جماعت ۱۲۰ هزار نفری باز علی را از حق مسلم خود محروم کردند. اما این به ضرر علی (ع) نبود بلکه ایشان خانه نشین شدند و به عبادت پرداختند. بلکه ضرر و زیان و بدبختی اصلی را مردم خوردند که تا امروز هم همچنان از کاشته های گذشته گان ثمره بد برداشت می کنند.

آیا اگر علی (ع) خلافت را متصدی می شد، در مدت سی سال خانه نشینی، تغییر و تبدیلی در میان امت اسلامی بوجود می آمد؟ آیا نص صریح را در مقابل اجتهاد قرار می داد؟ (همانطور که بعضی آقایان انجام دادند!!)

علی (ع) ، مردی بود که طبق سیره پیامبر (ص) بر مردم حکومت می کرد و اگر طبق فرمایشات پیامبر (ص) اجازه می دادند از همان ابتدا زمام امور را بدست بگیرد، همانا اسلام امروز، جهان را فرا

^۱ - مناقب خوارزمی، ص ۳۹- تفسیر نیشابوری، ج ۳ ص ۱۱۰۳ و... به نقل از ک: همراه با راستگویان، دکتر تیجانی سماواتی، ص ۱۷۱

می‌گرفت و عقیده متین و محکم در قلوب مسلمانان جایگزین شده بود و فتنه‌های بزرگ و کوچک در دنیا رخ نمی‌داد. نه درب سوخته‌ای بوجود می‌آمد، نه کربلایی می‌بود و نه عاشورایی ونه

آری امت اسلام در این آزمایش مردود شدند. همانگونه که امت های پیشین شدند. کاری کردند که نباید می‌کردند و... .

والسلام علی عباد الله الصالحین

محمد علمداری فر- ۱۳۸۳

علی (ع) یار و یاور پیامبر (ص) و همیشه و همه حال در حضور آن حضرت بوده و ارادت خاصی را بر ایشان قائل بود و متقابلاً پیامبر (ص) هم عنایات ویژه‌ای به علی (ع) داشتند.

در مناقب این امام همام بسیار کتابها نوشته شده و مطالب گفته شده که این تحقیق مختصر جوابگوی آنان نیست. اما یکی از وقایعی که بسیار مورد اهمیت است و مورد توجه عام و خاص می‌باشد، بحث غدیر خم و جایگاه آن در بین مسلمانان مخصوصاً شیعیان است. که کوشیده ایم تا «جایگاه و منزلت عید غدیر خم در اسلام» را بصورت کاملاً مختصر در این نوشتار بگنجانیم.

اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته است که واقعه تاریخی غدیر در تمام قرون و اعصار، بصورت زنده در دلها و به صورت مکتوب در اسناد و کتب بماند و در هر عصر و زمانی نویسندگان اسلامی در کتابهای تفسیر و حدیث و کلام و تاریخ از آن سخن بگویند و گویندگان مذهبی در مجالس وعظ و خطابه درباره آن داد سخن دهند و آنرا از فضایل غیر قابل انکار حضرت علی (ع) بشمارند.

یکی از علل جاودانی بودن غدیر، نزول دو آیه از آیات قرآن کریم درباره این واقعه است و تا روزی که قرآن باقی است این واقعه تاریخی نیز باقی خواهد بود و از خاطره‌ها محو نخواهد شد.

جامعه اسلامی در اعصار دیرینه، آن را یکی از اعیاد مذهبی می‌شمردند و شیعیان، هم اکنون نیز روز هجدهم ذی الحجه را عید غدیر خم می‌دانند و در آنروز جشن و سرور برپا می‌دارند. ریشه این عید اسلامی به خود روز غدیر باز می‌گردد، زیرا در آن روز پیامبر (ص) به مهاجرین و انصار، بلکه به همسران خود دستور داد که بر علی (ع) وارد شوند و به او در مورد چنین فضیلت بزرگی تبریک بگویند.

ما قصد داریم تا مقام و منزلت عید غدیر را از جنبه‌های مختلف و بیان‌های گوناگون و بصورت اجمالی در اینجا ذکر نماییم. تا باشد در ابتدا برای خودمان و در مرتبه دوم برای دیگران این عید بزرگ شناخته شود و قدر و منزلت این روز را بدانیم.

واقعه غدیر خم

در سال دهم هجری، پیامبر (ص) آخرین حج خود را بجا آورد و هزاران نفر به خاطر شرکت پیامبر (ص) در این حج شرکت کردند. مراسم حج به پایان رسید و حاجیان هنگام بازگشت در محلی که به نام غدیر خم نام داشت توقف کردند تا اینکه فرمان خداوند طی یک آیه به مسلمین اعلام گردید. فرمان خدا به رسول گرامی طی این آیه زیر نازل شد:

«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس»^۱

«ای پیامبر آنچه را از پروردگارت بر تو فرود آمده است به مردم برسان و اگر نرسانی رسالت خدای را به جا نیاورده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می‌کند.»

این آیه به طوری مهم بود که در روز هجدهم ذی الحجه، موقع اذان ظهر در آن آفتاب داغ نیمروزی در آن محل حساس جغرافیایی نازل گشت.

با لحن دستوری، تهدید آمیز، همراه با دلداری. که معلوم می‌شود دستور بسیار مهمی می‌باشد.

^۱ - سوره مائده - آیه ۶۷

حاجیان از این توقف ناگهانی متعجب شدند و منتظر رساندن فرمان خداوند از طرف پیامبر (ص) بودند. هوا بگونه‌ای گرم بود که همگان ردهای خود را دو نیم کرده و نیمی را بر سر و نیمی را بر زیر خود انداخته بودند.

اذان ظهر گفته شد و نماز ظهر و عصر خوانده شد، بطوری که غدیر دیگر هیچ وقت آن اجتماع باعظمت را به خود ندید که در روز هجدهم ذی الحجه آنرا به خود مشاهده کرد.

پیامبر (ص) پس از خطبه‌ای طولانی، فرمان خدا را بر همگان اعلام نمودند و دست مبارک علی (ع) را بالا گرفتند بطوری که زیر بغل ایشان معلوم بود و فرمودند: هان ای مردم، « هرکس که من مولا و رهبر او هستم، علی هم مولا و رهبر اوست.»

و سه بار این جمله را تکرار فرمودند و دستور دادند حاضران به غایبان برسانند
بار دیگر وحی خداوند فرود آمد و آیه: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً» نازل گشت.

در این لحظه صدای تکبیر پیامبر (ص) بلند شد و فرمود:

«خدا را سپاسگذارم که دین خود را به پایان رسانید و از رسالت من و ولایت علی پس از من خوشنود شد.»

سپس فرمود تا برای تبریک گفتن به حضرتش جایگاهی فراهم گردد و آنگاه خود، در خیمه و چادری نشست و علی (ع) را هم کنار خود نشاند و مردم به بیعت با آن حضرت شتافتند و اولین کسانی که دست بیعت به رسول خدا و علی (ع) دادند ابوبکر و عمر و طلحه و زبیر و سپس باقی مهاجرین و سایر مردم بر حسب طبقات و مراتبشان بودند. تا اینکه نماز عصر و مغرب و عشا خواندند و تا سه روز

پیوسته امر دست دادن خلق و بیعت آنها ادامه داشت و رسول خدا پس از بیعت هر دسته و گروهی می‌فرمود: «الحمد لله الذي فضلنا على جميع العالمين».

غدیر در کتاب عزیز

دو آیه از قرآن کریم که درباره داستان غدیر خم و ولایت امیرالمؤمنین (ع) نازل شده^۱، تمام مفسران شیعه و سنی به دلالت این آیات بر واقعه غدیر خم اتفاق نظر دارند که برای نمونه ۳۰ نفر از نامهای برخی از مفسران و مأخذ و مدارک اهل سنت را ذکر کرده‌ایم.

با این حال علمای اهل سنت ناچارند که این آیه را تأویلهای دیگری کنند تا کرامت اصحاب محفوظ بماند. وگرنه اگر اعتراف کنند که این آیه در روز غدیر خم نازل شده، پس ناچار به ولایت حضرت علی بن ابیطالب اقرار کرده‌اند و پذیرفته‌اند که خداوند دین را با این ولایت کامل کرده و نعمتش را بر مسلمانان تمام نموده و دیگر خلافت خلفای سه‌گانه نقش بر آب می‌شود و عدالت اصحاب کم و زیاد می‌گردد و مکتب و اجتهاد در آن پا در هوا می‌شود و بسیار از احادیث مانند نمک در آب ذوب می‌شوند و روسای مذاهب و پیشوایان زیر سوال می‌روند و بسیاری از اسرار و مسائل پشت پرده رو می‌شود و نقابهای دروغین پس می‌رود. و این حق آنان است که رسوا شوند. چرا که حقایق را مخفی نمودند و آیه را به غیر معنای اصلی‌اش تأویل نمودند.

^۱ - الف) آیه تبلیغ: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته (مائده، ۶۷). ب) آیه اکمال دین: الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت

علیکم نعمتی (مائده، ۳).

پیام‌ها و نکته‌های آیات

دو آیه‌ای که ذکر شد هر دو بدون شک در ارتباط با واقعه غدیر خم می‌باشد، اما این آیات دارای نکته‌ها و پیامهای مهمتر دیگری نیز هستند که بصورت اجمالی و تیتروار به ۲۲ مورد اشاره شده است که در اصل تحقیق موجود میباشد.

البته قسمتهایی از پیامهای قرآن که از ظواهر آیات بدست آمده است در آنجا ثبت شده است. اما آنچه در بواطن آیات در ارتباط با شأن و منزلت روز غدیر وجود دارد خدا می‌داند و بس.

سندیت واقعه غدیر خم

داستان غدیر خم از جمله حقایق مسلم و غیر قابل تردید است که به حد اجماع امت اسلامی، از تشیع و تسنن رسیده است، و بارها مورد احتجاج و سوگند قرار گرفته است. این حقیقت موجب شده تا مخالفان غدیر، در برابر سند حدیث غدیر سر تسلیم فرود آورند و به ناچار به آن تن دهند و چون نتوانسته اند در سند آن خدشه‌ای وارد سازند، در دلالت آن به چون و چرا پرداخته اند؛ اما باب هر گونه چون و چرا بر روی آنان بسته و راهی جز تسلیم در برابر مفاد حدیث غدیر، فرا روی آنان وجود ندارد.

امامان معصوم(ع)، همواره به این واقعه مهم استدلال می‌کردند و پس از آنان، علما و بزرگان دین در بزرگداشت این واقعه مهم کوشیده اند. و جالب اینکه جمع زیادی از دانشمندان اهل سنت، واقعه غدیر را در آثار و نوشته های خود منعکس نموده، و گروهی از آنان، تألیفات مستقلی در این باره از خود بر جای نهاده اند.

تاریخ نشان می‌دهد، نخستین بار در همان روز غدیر درباره این حادثه و فضایل امیرالمؤمنین(ع) بحث و گفتگو شده است. حسان بن ثابت انصاری اولین کسی است که درباره ولایت امام علی بن ابی طالب (ع) شعر سروده، و آن را در محضر رسول خدا(ص) و در اجتماع با شکوه روز غدیر خوانده است.

و از آن تاریخ تا کنون همواره غدیر شناسی ادامه یافته و از روند تکاملی نیز برخوردار بوده است. و همواره این حدیث در آثار، ثبت و ضبط می شده است.

تعداد راویان واقعه غدیر در هر قرن

مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر خود نام راویان حدیث غدیر را به ترتیب زمان زندگی ذکر کرده است که جمعاً تعداد ۵۵۷ نفر راوی ثبت شده وجود دارد که این هم در اصل تحقیق ذکر شده است و ما از آوردن آنها در این چکیده خودداری می‌کنیم تا موجب اطاله کلام نگردد. همچنین کتابشناسی منابع حدیث غدیر به همراه جدول تفاوت نقل‌ها نیز حاکی از دلالت این آیات بر واقعه غدیر خم است. راویان دیگری نیز وجود دارند که در کتابهای مختلف خود به حدیث غدیر خم اشاره کرده‌اند و تعداد آنان بیش از آنست که ما بتوانیم در اینجا بگنجانیم. از جمله رهبران سیاسی بعضی مذاهب مانند:

۱- ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴هـ.ق)، امام شافعی

۲- ابو عبدالله احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱هـ.ق)، پیشوای حنبلیان

۳- حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶هـ.ق)، مؤلف «صحیح بخاری»

۴- حافظ ابو عبدالله ابن ماجه (م ۲۷۱هـ.ق) صاحب «سنن ابن ماجه»

۵- ابومحمد عبد الله بن مسلم بن قتيبه دینوری (م ۲۷۶هـ-ق) و...

همچنین راویان معرفی نیز وجود دارد که در مورد آن علاقمندان میتوانند به کتاب الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۶ رجوع نمایند.

غدیر در سیره اهل بیت (ع)

اهل بیت پیامبر و امامان بر حق شیعه، که نگاهبان اسلام حقیقی بودند و سعی داشتند آن را از خطرات دور سازند، از هر فرصتی بهره بردند تا غدیر را زنده بدارند و آن خاطره گرامی و به یاد ماندنی را مطرح کنند؛ زیرا در تابش آفتاب غدیر اهداف والای پیامبر جامه عمل می پوشد و برای فتنه انگیزی کج اندیشان فرصت باقی نماند.

نگاهی گذرا به سیره حضرت فاطمه و امیرمؤمنان - علیهما السلام - و دیگر امامان راستین شیعه، ما را با اهمیت واقعه غدیر و نقش عظیم و سرنوشت ساز آن در هدایت و نیکیبختی بشر آشنا می سازد. از جمله :

حدیث غدیر در معرکه صفین

خطبه غدیریه امیرمؤمنان(ع) در زمان حکومت

غدیر از نگاه مولی الموحدین(ع)

استدلال ام الائمه ، فاطمه زهرا(س) به حدیث غدیر

استدلال امام حسن مجتبی (ع) به حدیث غدیر

غدیر خم در خطبه امام مجتبی(ع)

امام حسین(ع) و حدیث غدیر در منی

امام محمد باقر (ع) و حدیث غدیر

امام صادق (ع) در مسجد غدیر

امام کاظم (ع) و مسجد غدیر

امام رضا (ع) و حدیث غدیر.

همچنین سایر ائمه (ع) نیز به نوبه خود در ارتباط با موضوع غدیر خم اشاراتی داشته و در سخنرانی‌ها و محافل علمی و سیاسی و... به ذکر این موضوع پرداخته‌اند که ما از آوردن تمام اینها در اینجا معذوریم. همچنانکه در مورد حضرات معصومین (ع) که نام آنها برده شد در اصل تحقیق فقط به یک موضوع آن پرداخته شد و دیگر فرمایشات آنان که در این زمینه می‌باشد را حذف نمودیم تا ملال خاطر خوانندگان نگردد.

استدلالات اصحاب و یاران پیامبر (ص) به حدیث غدیر خم

اصحاب و یاران چندین ساله پیامبر بزرگوار اسلام که اکثراً با ایشان بوده و همراه و همگام پیامبر بودند و در شادی و غم همراه پیامبر بودند نیز دارای استدلالهایی هستند که در اینجا به آنها اشاره میشود. هر چند قطعاً عده‌ای از آنان بعد از رحلت پیامبر (ص) از حق دوری جستند و به صف دشمنان علی (ع) پیوستند اما باز زبان به اعتراف گشوده و خود را محکوم و حقانیت علی (ع) را اثبات نموده‌اند که این افراد نیز کم نیستند و ما فقط به تعدادی از آنان اشاره کرده‌ایم:

استدلال جناب عمار یاسر به حدیث غدیر

استدلال جوانی ناشناس به حدیث غدیر

استدلال عمرو بن عاص به حدیث غدیر

استدلال عمر بن عبدالعزیز به حدیث غدیر

استدلال کنندگان، با این حدیث، خلافت حضرت امیر(ع) را اثبات می کنند، و مقام و منزلتی که از این اخبار برای غدیر خم بدست می آید برای هیچ یک از رویدادها اینگونه توصیف نشده و دارای اینگونه تواتر نمی باشد.

زنان راوی غدیر

حضور زنان در حجة الوداع بارزترین و ماندگارترین نوع شرکت در صحنه های اجتماعی است. اخبار فراوانی که به وسیله راویان زن از این مراسم عظیم نقل شده، گویای تلاش گسترده زنان در پاسداری از این میراث مقدس است.

گروهی از این بانوان که حدیث غدیر را نقل کرده اند نامشان چنین است:

حضرت زهرا(س)

ام سلمه

اسماء بنت عمیس

ام هانی بنت ابی طالب (سلام الله علیهما)

عایشه دختر ابی بکر

فاطمه دختر حمزه بن عبدالمطلب

همسر زید بن ارقم

الشیخة ام محمد زینب ابنة احمد بن عبدالرحیم المقدسیه.

فاطمه دختر امام موسی بن جعفر(ع)

زینب دختر امام موسی بن جعفر(ع)

ام کلثوم دختر امام موسی بن جعفر(ع)

فاطمه دختر جعفر بن محمد الصادق(ع)

فاطمه دختر محمد بن علی(ع)

فاطمه دختر علی بن الحسین(ع)

فاطمه دختر حسین بن علی(ع)

سکینه دختر حسین بن علی(ع)

ام کلثوم دختر فاطمه زهرا(س)

عایشه بنت سعد

فاطمه بنت علی بن ابی طالب(ع)

و... که روایت‌های آنان در تحقیق موجود است.

غدیر از دید شعرا

کمتر شاعری می توان یافت که دست کم جرعه ای از خم غدیر ننوشیده، جان تشنه اش حلاوت

حلالِ عشقِ علوی - این شرابِ طهور - را نچشیده باشد. نه تنها شعرای بزرگ عرب - از حسان بن ثابت

و کمیت اسدی و دعبل خزاعی گرفته تا سید حیدر حلّی و بولس السلامه و ازری کبیر، که شاعران

حقجو و حقیقت گو هم از هر نژاد و زبان به اصالت این برکه با برکت و به زلالی این چشمه جوشان

شهادت داده اند.

در این میان شاعران پارسی گوی نیز به حقایق غدیر خم گواهی داده و گاه با سرودن چکامه های فاخر و بلند، و غدیریّه های غرّاً و رسا، گوی سبقت از همگان ربوده اند؛ چرا که ایرانیان مسلمان را از همان نخست به علی و آل پاکش گرایش دیگری و برتر، ارادتی فزونتر و بهتر بود و شاعران بزرگ و بیدار هم که همیشه زبان گویای ملت و مردم بوده اند مردمان مسلمان را به همین گرایش سفارش می کردند.

گفتنی است قرن به قرن در طول تاریخ اسلام شعرهایی توسط دانشمندان و شاعران بنام به زبان عربی سروده شده بود، که نیازی نیست در این مقاله به غدیریّه های عربی پرداخته شود؛ گستره این کار بسیار بیشتر از آن است که در این مجال اندک بگنجد لکن ما تعدادی اندک از شعرهای شاعران نامدار را که مربوط به غدیر است را در اصل تحقیق آورده و از ذکر تمام شعر شاعران اجتناب می کنیم و نام تعدادی از آنان را که از بقیه شهرت بیشتری در شعر سرایی دارند را ذکر کرده ایم که بیش از یکصد نفر است. باشد تا همگان بدانند که غدیر دارای چه مقام و منزلتی است که همه و همه آنرا ذکر کرده اند و در منقبت آن، کتابها و شعرها و... نوشته اند.

با بررسی سندیت غدیر خم از طرف شیعه و سنی و ذکر آن در منابع روایی و قرآنی خصوصاً مفسران زبده قرآن کریم و روشهایی که اهل بیت عصمت و طهارت (ع) برای استدلال به این واقعه ارائه نمودند و در نهان و آشکار و در سخنرانی‌ها و خطبه‌های عمومی و پاسخهای انفرادی، همه جا تلاش می‌کردند تا حماسه غدیر را بشناسانند و اهداف غدیر خم را به رخ بکشند و آنرا جاودانه سازند و برای اتمام حجت، پیام غدیر خم را بکار بگیرند، همچنین روایت اصحاب خاص پیامبر (ص) که اعم از دوست و دشمن بودند و شعرا و زنان راوی حدیث غدیر که از جان و دل شعر سروده‌اند و روایت را نسل به نسل و قرن به قرن تا کنون انتقال داده‌اند تا اینکه به نسل ما برسد، — همه این موارد بطور خلاصه در بخشهای سابق گذشت — هر خواننده‌ای را به فکر فرو می‌برد که از خود بپرسد: غدیر خم چه ویژگی‌هایی دارد؟ اهداف غدیر خم چیست؟ بار تبلیغاتی آن چگونه است؟ و....

از جمله ویژگی‌های غدیر که به طور مفصل در اصل تحقیق بیان شده است عبارتند از:

۱- اعلام امامت در اجتماع بی‌همانند

الف) اجتماع از سراسر بلاد اسلامی

ب) جاذبه‌های معنوی حاضران

ج) انگیزه گردهمایی در غدیر

۲- فراوانی و انبوه حاضران

۳- تحقق بیعت عمومی

۴- کیفیت والای غدیر

۵- صراحت در گفتار

۶- گواهی حاضران در صحنه غدیر

۷- راویان و مفسران فراوان حدیث غدیر

۸- غدیر و آشکار شدن توطئه‌های پنهان

همچنین در بخش دیگری از تحقیق، نمونه‌ای از فرمایشات گهر بار رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری در ارتباط با غدیر را آورده‌ایم که در آن به ذکر عظمت عید غدیر و ارتباط آن با مسئله ولایت و همچنین وحدت مسلمین اشاره دارد.

عید غدیر خم

عید غدیر، یک عید اصیل اسلامی است. چرا که روز هجدهم ذی الحجه را مسلمانان در سه قرن اول، به این عنوان جشن می‌گرفته‌اند. فرات بن ابراهیم از دانشمندان قرن سوم، حدیثی را از امام صادق(ع) روایت می‌کند که حضرت در آن از آباء طاهرینش - علیهم السلام - نقل می‌کند: رسول اکرم(ص) فرمود:

«یوم غدیر خم افضل اعیاد امتی...»

«روز غدیر از بهترین اعیاد امت من است...»

امام علی(ع) در سالی که روز جمعه و روز غدیر با هم مصادف شده بود، برای مردم خطبه خواند و در آن فرمود:

«ان الله عز و جل جمع لکم معشر المؤمنین فی هذا الیوم عیدین عظیمین کبیرین...»

«خدای عزوجل در این روز، دو عید عظیم بزرگ را برای شما گروه مؤمنان جمع کرده است.»

۱ - الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۳.

در این خطبه طولانی امام مردم را به انجام کارهایی که شایسته است در اعیاد انجام گردد و اظهار شادی و سرور در این گونه ایام — بطور تفصیل — امر می‌کند. طالبین به این خطبه مراجعه کنند.

همچنین احادیث اهل بیت (ع) در مورد منزلت و عظمت عید غدیر نیز وجود دارد که گستره آن بسیار زیادتر از آنست که در تصور ما جا بگیرد لکن ما نیز تبرکاً به تعدادی از آنها اشاره کرده ایم. که در موضوعات مختلفی می‌باشد از جمله:

۱- برترین عید امت

۲- عید بزرگ خدا

۳- عید ولایت

۴- روز تجدید بیعت

۵- عید آسمانی

۶- عید بی نظیر

۷- عید پربرکت

۸- عید فروزان

۹- روز اطعام

۱۰- روز سپاس و شادی

۱۱- روز نیکوکاری

۱۲- روز تبریک و تهنیت

۱۳- عید اوصیاء

۱۴- روز گشایش و درود

۱۵- نماز روز غدیر

۱۶- روزه غدیر

۱۷- زندگی پیامبرگونه

۱۸- پیامبر و امامت علی (ع)

۱۹- پایه‌های اسلام

۲۰- ولایت جاودانه

۲۱- ولایت و توحید

۲۲- روز ناله نومیدی شیطان

۲۳- اسلام در سایه ولایت

۲۴- ده هزار شاهد

۲۵- علی (ع) مفسر قرآن

دریغ و افسوس

اگر هر مسلمانی بدون تعصب و بدون عاطفه و احساسات به این واقعیات بنگرد خواهد دید که علی (ع) دانشمندترین انسان پس از رسول خدا (ص) است و تاریخ گواه است که بزرگان اصحاب در آنچه بر آنان دشوار می‌آمد رو به سوی او می‌آوردند و از ایشان استمداد می‌جستند. و تنها عمر بن خطاب در بیش از هفتاد مورد گفت «لولا علی لهلك عمر» (اگر علی نبود قطعاً عمر به هلاکت می‌رسید).

و تاریخ خود، شهادت می‌دهد که علی بن ابیطالب شجاع‌ترین و نیرومندترین اصحاب بود و اگر بسیاری از قهرمانان از اصحاب، در مواقع حساس پا به فرار گذاشتند او در تمام مواقع ثابت و پابرجا ماند.

غدیر نیز یکی از این شواهد بود که جز علی (ع) کسی دیگر لیاقت امامت مسلمین را ندارد. اما چه کردند باعلی (ع). با این همه فضیلت و با این همه مدارک و با جماعت ۱۲۰ هزار نفری باز علی را از حق مسلم خود محروم کردند. اما این به ضرر علی (ع) نبود بلکه ایشان خانه نشین شدند و به عبادت پرداختند. بلکه ضرر و زیان و بدبختی اصلی را مردم خوردند که تا امروز هم همچنان از کاشته‌های گذشته گان ثمره بد برداشت می‌کنند.

علی (ع)، مردی بود که طبق سیره پیامبر (ص) بر مردم حکومت می‌کرد و اگر طبق فرمایشات پیامبر (ص) اجازه می‌دادند از همان ابتدا زمام امور را بدست بگیرد، همانا اسلام امروز، جهان را فرا می‌گرفت و عقیده متین و محکم در قلوب مسلمانان جایگزین شده بود و فتنه‌های بزرگ و کوچک در دنیا رخ نمی‌داد.

نه درب سوخته‌ای بوجود می‌آمد، نه کربلایی می‌بود و نه عاشورایی ونه ...

آری امت اسلام در این آزمایش مردود شدند. همانگونه که امت‌های پیشین شدند. کاری کردند که نباید می‌کردند و ...

والسلام علی عباد الله الصالحین

محمد علمداری فر

۸۳/۱۰/۳

_____	_____	• قرآن کریم
_____	جلد ۱	• الغدير
_____	جلد ۴	• تفسیر نمونه
_____	جلد ۵	• تفسیر المیزان
_____	جلد ۳	• تفسیر نور
_____	جلد ۶	• تفسیر نسیم حیات
_____	جلد ۹	• پیام قرآن
_____	جلد ۲۰	• صحیفه نور
_____	_____	• فروغ ولایت
_____	_____	• از غدیر تا عاشورا
_____	_____	• امامت و رهبری
_____	_____	• حماسه غدیر
_____	_____	• همراه با راستگویان
_____	_____	• اسرار آفرینش اهل بیت (ع)
_____	_____	• المراقبات
_____	_____	• خلاصه الغدير
_____	_____	• تاریخ اسلام
_____	_____	• هفتاد دو منبر